

دیدگاه مسئولین، مربیان و کادر فنی به عوامل اجتماعی موثر بر پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی

سیده صفا موسوی

دانشجوی دکتری تخصصی جامعه شناسی ورزش، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

روزیتا سپهرنیا

دانشیار گروه مطالعات فرهنگی و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

ro.sepehrnia@iau.ac.ir

بهرام قدیمی

استاد تمام گروه جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

هویت ملی ورزشکاران زن به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی ورزش قهرمانی، تحت تأثیر عوامل گوناگون شکل می‌گیرد و در بستر جامعه توسعه می‌یابد. پژوهش حاضر با هدف دیدگاه مسئولین مربیان و کادر فنی به عوامل اجتماعی موثر بر پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی از منظر مسئولین، کادر فنی، مربیان انجام شده است. از نظر هدف کاربردی و توصیفی، از نظر رویکرد آمیخته متوالی از نوع اکتشافی که استراتژی آن در بخش تفسیرگرا و تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تحلیل مضامین و در بخش اثبات‌گرا توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی و همبستگی است.

در این تحقیق در بخش کیفی شامل خبرگان نظری و تجربی، به تعداد ۲۸ نفر بوده که از طریق هدفمند و گلوله برفی تا اشباع نظری انتخاب شدند. در بخش کمی، جامعه آماری شامل رؤسای فدراسیون، مربیان و کادر فنی، (با تمرکز بر رشته‌های تکواندو، کاراته، کبده، هاکی، فوتبال، فوتسال و والیبال) بودند که حجم نمونه منطبق با فرمول کوکران و بصورت تصادفی و احتمالی، در پاره‌ای موارد بصورت تمام شماری در رؤسای فدراسیون‌ها انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته و پرسشنامه محقق ساخت انجام شد. روش تجزیه و تحلیل در بخش کیفی بهره‌مندی از کدگذاری از طریق نرم‌افزار مکس کیودا و در بخش کمی استفاده از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از تحلیل عامل تاییدی انجام شده است.

عوامل اجتماعی موثر بر پایداری زنان ورزشکار ایرانی به هویت ملی در بعد "تعهد به هویت اجتماعی" این مؤلفه‌ها شامل ۱۹ شاخص شناسایی شد که به ترتیب: احساس تعلق اجتماعی، اخلاق مداری، کسب موفقیت در رقابت‌های ملی و بین‌المللی، توانایی کار تیمی، حمایت اجتماعی، انگیزه و الهام بخشی بوده است.

کلید واژه‌ها: دیدگاه مسئولین، مربیان، کادر فنی، عوامل اجتماعی، پایداری، ورزشکاران زن، به هویت ملی.

مقدمه

در ابتدا زمانی که از هویت نام برده می‌شود، نقش و نوع هویت بسیار حائز اهمیت خواهد بود، در این راستا هویت ملی با نگرشی شگرف از ابعاد مختلف قابل تعریف و تفسیر است. هویت ملی، مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور، به عنوان به واحد سیاسی، است. هویت ملی دارای عناصر سازنده‌ی گوناگونی چون ارزش‌های ملی، دینی، فرهنگی، جامعه‌ای، انسانی، و در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، تاریخی جغرافیایی، سیاسی، زبانی و غیره است. هویت ملی ایرانی نیز به انحای مختلف، دارای ابعاد و عناصر فوق هستند؛ امام مهم‌ترین مسایل آن، وجود دو عنصر اسلامیت و ایرانیت و تأثیرپذیری آن از فرهنگ غربی است. لذا، در تاریخ معاصر ایران، چالش و بحران در عناصر هویت ملی ایرانی در این دو مؤلفه‌ی اساسی و رابطه‌ی آن با فرهنگ غربی بود. استاد مطهری، به عنوان یک روشنفکر دینی و آسیب‌شناس مذهبی، که دردهای جامعه را از زاویه‌ی دینی مورد شناسایی و ارزیابی قرار می‌داد، به طرح دیدگاه‌هایی درباره‌ی هویت ایرانی پرداخته و از میان عناصر متفاوتی که به هویت ایرانی شکل داده است، به مذهب اولویت و اصالت بخشیده و عواملی چون جغرافیا، نژاد، زبان، سنن، فرهنگ و سایر عناصر هویتی را در درجه‌ی دوم اهمیت قرار داده است. از نظر ایشان مهم‌ترین عامل هویت‌یابی ایرانیان، گرایش آنان به دین اسلام می‌باشد، چرا که اسلام به واسطه خصوصیات معنوی خود، توانست به ایرانیان هویت جدیدی اعطا کند و به ایرانی بودن نیز معنای جدیدی بدهد (قربانی، ۱۳۸۴). از دیدگاه کلی هویت ملی در ایران با توجه به قدمت تاریخی، فرهنگی، مذهبی با دیگر کشورها متفاوت خواهد بود، تعریف کلی برای هویت ملی ایران با آنچه در جهان به عنوان هویت ملی تعریف می‌شود کمی متفاوت است، زیرا نقش

پررنگ دین و اصالت و تمدن کهن ایرانی در مقوله هویت ملی تعریفی متفاوت دارد، ایران در منطقه‌ی خاورمیانه پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلفی چون: هند، چین، مصر، بابل، یونان و رم بوده است. از همین رو در طول تاریخ کهن، این سرزمین شاهد تحولات سیاسی، دینی و نظامی بسیار بوده است که در تعیین هویت ایرانی و تحول آن نقشی اساسی را ایفا کرده‌اند از این میان، گسترش اسلام در ایران و برخورد کشور ما با اندیشه‌های جدید غربی در تحول هویت ملی ما بیش‌ترین تأثیر را داشته است. هویت ملی ایرانی نیز مانند هویت‌های دیگر، دارای مؤلفه‌های اساسی مخصوص به خود است. بسیاری از اندیشمندان از میان مؤلفه‌های چون: زبان، دین، جغرافیا، تاریخ، فرهنگ ملی و غیره، به اصالت زبان به عنوان پایه‌ای‌ترین مؤلفه‌ی هویت ایرانی یاد می‌کنند؛ زبانی که علی‌رغم آمیختگی‌هایش با واژگان بیگانه، در طول تاریخ اصالت خود را حفظ کرده است. برخی دیگر به تاریخ و سرنوشت مشترک ایرانیان نظر دارند، و تاریخ ایرانیان را به عنوان مؤلفه‌ی بنیادی هویت ملی به حساب می‌آورند. طبق نظریه‌ای دیگر، وجود عامل ذهنیت مشترک و وجدان مشترک تاریخی، مهم‌ترین مؤلفه‌ی هویت ملی ایران است (تاجیک، ۱۳۸۲). حال با شناخت کلی از نقش هویت ملی و هویت ملی ایرانی به سراغ ورزش زنان می‌رویم و با این نگرش متفاوتی که از ورزشکار زن در کشورمان با توجه به عقبه فرهنگی و مذهبی وجود دارد می‌پردازیم. نوربرت الیاس ورزش را کلید شناخت جوامع برشمرده و آن را مدخلی برای تحلیل ساختارهای حاکم بر جامعه می‌داند. به زعم وی، در بیشتر جوامع به طور متعارف فعالیت‌های ورزشی با مردان تعریف شده و به تبع آن امکانات ورزشی نیز در اختیار آنها قرار گرفته است. ورزش اساساً فعالیتی مبتنی بر جنسیت است (احمدی، ۱۳۹۴). یکی از مهمترین کارکردهای هویت، ایجاد پیوستگی و همانندی است. در شکل‌دهی

ساماندهی و سازماندهی هویت هر فرد، دو عنصر تعریف ما از خود و تعریف ما از دیگران دخالت دارد (کاردان، ۱۳۹۵). صرف نظر از سطح فردی، هویت در سطوح بالاتر و عام‌تر به مفهوم هویت جمعی نیز قابل رؤیت است و مقصود از آن حوزه‌های از حیات اجتماعی است که فرد خود را به ضمیر ما متعلق و منتسب می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند. این هویت‌های جمعی را می‌توان در سطوحی مرتب از کوچک و خاص به بزرگ و عام چون خویشاوندی، هم طایفگی، هم محلی، هم روستایی، هم زبانی، هم شهری، هم وطن، هم مذهب و هم‌نوع بودن تقسیم کرد (حاجیان، ۱۳۷۹). در این میان، مهمترین نوع هویت جمعی، هویت ملی است، زیرا نقش تعیین‌کننده‌ای در حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتی اقتصاد دارد. به عبارت دیگر، هویت ملی فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در همه‌ی نظام‌های اجتماعی است. هویت ملی، امری جمعی، کلی و بالاترین سطح هویت که در چارچوب یک سرزمین معنا می‌یابد و بیانگر تعلق اجتماعی، احساس مشترک و باورهای کلی یک اجتماع با مؤلفه‌های گوناگون است تعریف می‌شود. در زمینه‌ی پیدایش و شکل‌گیری هویت ملی در ایران، دو دیدگاه زیر وجود دارد: برخی از صاحب نظران معتقدند هویت ملی در ایران پدیده‌های متأخر و متأثر از دنیای غرب است که در نهضت مشروطه نمود عینی پیدا کرد. به نظر آنها، در اروپا دولت و ملت‌ها در سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی ظهور کرد و به عنوان مبنایی برای شکل‌گیری دولت‌های مطلقه مورد استفاده قرار گرفت. دولت‌های مطلقه تازه تأسیس اروپایی در راستای تفکیک و تشخیص ملت‌ها دولت‌های خود از سایر دولت-ملت‌ها و نیز در راستای تحکیم وحدت و انسجام درونی خود، از مفهوم ناسیونالیسم و هویت ملی بهره گرفتند (مجتهدزاده، ۱۳۸۹). آن‌ها کوشیدند تا با بازخوانی تاریخ و کشف هویت یگانه ملت‌های خود راه را برای ساختار

یکپارچه دولت‌های ملی و دستگاه‌های اداری و نظامی آن و همچنین آموزش سراسری ملی با زبان واحد، فراهم سازند. براساس آرای متفکرانی که هویت ملی را مفهومی متأخر و جدید می‌پندارند، هویت ملی محصول تلاش آگاهانه یک طبقه سیاسی برای ایجاد ابزاری است که ابقای قدرت و اعمال حاکمیت را تسهیل می‌کند. گروه دیگری از اندیشمندان معتقدند اگرچه مفهوم هویت ملی در غرب پس از پیدایش دولت ملت‌های اروپایی در سده‌ی نوزدهم میلادی پدید آمد، اما این موضوع درباره‌ی کشورهای چینی، هند که از قدمت تاریخی فراوانی برخوردارند، صدق نمی‌کند. به نظر این گروه، مفهوم هویت ملی ضرورتاً با رواج ناسیونالیسم و پیدایش دولت‌های مطلقه مدرن اروپایی به وجود نیامده است، بلکه نشانه‌هایی از وجود مفهوم ملت و هویت ملی را می‌توان در امپراتوری‌های گذشته جستجو کرد. براساس نظر این دسته از اندیشمندان مفهوم ملت به عنوان شالوده شکل‌گیری هویت ملی، قرن‌ها قبل از دولت‌های ملی سده نوزدهم میلادی، در کشورهای کهن وجود داشته است. بر این اساس، اگرچه پدیده هویت ملی در ملل اروپایی به صورت پدیده‌های تصنعی و مدرن، محصول دولت‌های ملی سده‌ی نوزدهم میلادی است، اما این امر را نمی‌توان به ملل کهن چون ایران، یونان، چین و هند نسبت داد؛ زیرا این تمدن‌ها از ابتدا بر یک آگاهی ذهنی از خود و دیگران قوام یافته و موجودیت خویش را براساس این خودآگاهی ذهنی شکل داده‌اند؛ به گونه‌ای که یونانیان، غیر یونانیان، را بربر و ایرانیان نیز غیر ایرانیان را انیران می‌خواندند (قاسمی، ۱۳۸۹). امروزه بسیاری از کشورها با مسأله هویت ملی مواجه هستند. یکی از عوامل ایجاد و ثبات هویت ملی، ورزش است. ورزش یکی از عناصری است که هم می‌تواند بر شکل‌گیری هویت ملی مؤثر باشد و هم از آن تأثیر پذیرد و با ظرفیت نمادینی که دارد می‌تواند ملتی را پراهمیت جلوه داده و غرور و

هویت ملی آن را ارتقاء دهد (فاضلی، ۱۳۹۷). نقش پرزنگ هویت ملی در ورزشکاران زن باتوجه به کمی و کاستی‌های موجود از مسائل مختلفی سرچشمه می‌گیرد. به طور مثال نقش پوشش اسلامی که سبب می‌شود در بعضی از رشته‌های ورزشی با محدودیت‌های رو به رو شوند و محدودیت‌های که از طرف مجامع بین‌المللی بر زنان دیکته می‌شود و اثرات روحی و روانی آن بر ورزشکاران زن و یا تبعیض جنسیتی که وجود دارد ورزش زنان را دچار چالش می‌کند. از این رو این چالش‌ها می‌تواند هم باعث رشد هم تخریب ورزشکاران زن شود. میزان دسترسی به امکانات و بودجه ورزشی که گاهی بین زنان و مردان تفاوت فاحشی وجود دارد خود یکی دیگر از محدودیت‌های پیش روی ورزشکاران زن است.

تبارشناسی اندیشه‌های ورزشی بورديو

کاربست نظریه‌های بورديو به ویژه در حوزه جامعه‌شناسی ورزش، تلفیقی از نظریه‌های کارل مارکس، ماکس وبر، مارسل موس، نوربرت الیاس و دانینگ است. او با آموزه‌های پدیدارشناسی مطالعات خود را آغاز و سپس با مقولات فلسفی علم و یافته‌های تجربی آنها را در هم آمیخت. از منظر این متفکر فرانسوی، دوگانه‌انگاری و رویکرد ساختار محور و کنشگر محور، بیش از هر چیز دیگر موجب ایجاد شکاف میان اندیشمندان اجتماعی شده است (سیدمن^۱؛ ۱۳۸۵). بر همین اساس، او در پی تدوین الگوی نظری تلفیقی است. چارچوبی که ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی را به هم نزدیک کرده و دو سطح خرد و کلان را با یکدیگر آشتی دهد. بورديو مانند مارکس اعتقاد به تشکیل جامعه طبقاتی داشت هرچند او از دوران دانشجویی به برخی از زیاده‌روی‌های را مردود اعلام نمود مارکسیست‌ها اعتراض داشت و بعدها ایده‌های مارکسیسم ساختاری به ویژه لویی آلتوسر (گودمن^۲؛ ۱۳۹۵). از سوی دیگر، در تبارشناسی اندیشه‌های بورديو باید به دیدگاه‌های وبر

هم اشاره کرد. او با الهام از این جامعه‌شناس معتقد بود که باید به بازتاب‌هایی توجه نمود که افراد برای معنادار کردن واقعیت‌های اجتماعی تدوین می‌کنند. او از ساختارگرایی هم تأثیرات شگرفی پذیرفت و رویکرد نوینی را در جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی پایه‌گذاری کرد که آن را ساختار تکوینی یا ساختارگرایی نام نهاد. مراد بورديو از تدوین و ارائه این نظریه، نه ارائه یک الگو عام بود، بلکه غلبه بر ثنویت و دوگانه‌انگاری ساختار و عاملیت از طریق نوعی نظریه ساختاری بوده است. او بر آن بود که جامعه‌شناسان باید بتوانند زمینه‌های اجتماعی کنش‌های فردی را در محیط ساختاری تحلیل کنند. مضاف بر اینکه بورديو از دیدگاه‌های مارسل موس به ویژه نظریه فنون بدن هم الهام گرفت؛ به طوری که آنها به ارتباط میان حرکات بدن با نظام اجتماعی اعتقاد داشتند و بر آن بودند که فعالیت‌های بدن صرفاً طبیعی و زیست‌شناختی نیست، بلکه جنبه فرهنگی و تربیتی دارد و در پیوند با طبقات و بستر اجتماعی و فرهنگی پیرامونش شکل می‌گیرد. آن‌ها بدن را محصول جامعه‌ای که در آن رشد کرده می‌دانستند.

بورديو در تحلیل‌های حوزه ورزش از اندیشه‌های الیاس و دانینگ هم وام گرفت. این دو صاحب‌نظر کلاسیک به تبارشناسی و بررسی سیر تحول ورزش مدرن در ادوار گذشته به ویژه قرون وسطی پرداخته و آن را مولود بازی‌هایی تلقی نموده که ماهیت آن در گذر زمان دچار دگردیسی شده و از ورزش‌ها و بازی‌های سنتی و خشونت بار به ورزش‌های مدرن قاعده‌مند و صلح‌آمیز تبدیل شد. آن‌ها، ورزش مدرن را ابزاری ممتاز در فرآیند متمدن شدن و گسترش تمدن در اروپا می‌دانست و کارکردهای متنوع دیگری از جمله، تعدیل خشونت، تنظیم احساسات و هیجانات، خوشتن‌داری، خودکنترلی، تسهیل در روابط اجتماعی، فرآیند تربیتی و اجتماعی شدن برای ورزش متصور بودند. (دانینگ؛ ۱۳۶۵).

ورزش رزمی جامعه شناسی

جامعه‌شناسی، ورزشی رزمی است، نام فیلم مستندی است که توسط پیر کارل در سال ۲۰۱۰ تقریباً یک سال قبل از مرگ بوردیو با حمایت‌های روزنامه گاردین ساخته و در سال ۲۰۱۳ در دو سالن در پاریس به نمایش درآمد. محور اصلی این فیلم نه صرفاً ورزش رزمی و پرداختن به طور مستقیم به حوزه جامعه‌شناسی ورزش، بلکه بوردیو از پدیده ورزش به عنوان شاهد مثال استفاده نموده تا بهتر بتواند اهداف و کارکردها علم جامعه‌شناسی و رسالت آن را تشریح نماید و به قول دورکیم رسالت پیامبرگونه و روشنفکرانه این علم را تبیین کند. از منظر وی، علم جامعه‌شناسی مانند ورزش رزمی ابزار دفاع از خود است. به اعتقاد او، مهمترین آرمان جامعه‌شناسی این است که بتواند ابزاری برای مشاهده و افشای سلطه و خشونت نمادین را فراهم سازد. بوردیو ورزش را به صورت عام و ورزش رزمی را به طور خاص ابزاری تدافعی نه تهاجمی می‌داند که نگرش هوشمندانه‌ای به انسان می‌بخشد. به اعتقاد وی، جامعه‌شناسی همانند ورزش رزمی، آگاهی بخش و بصیرت افزا است، تا افراد در جامعه و محیط کار به تعبیر مارکس از خود بیگانه نشده و تحت سلطه قدرت نمادین حاکمه قرار نگیرند. این کارگردان فرانسوی، در این فیلم تلاش کرد تا فرصتی را برای بوردیو در بیان ایده‌ها و اندیشه‌هایش فراهم آورد. البته این فیلم بینندگان را هم با مبارزات تقریباً روزمره‌ای که بوردیو برای پیشبرد نظریات خود و مقابله با نظام حاکم انجام می‌داد، آشنا می‌ساخت (بوردیو^۳؛ ۱۳۸۵). در هر حال، به نظر می‌رسد که تمثیل عنوان فیلم "جامعه‌شناسی یک ورزش رزمی است" بسیار مناسب گزینش شده است؛ زیرا جامعه‌شناسی در حقیقت همانند یک ورزش رزمی به انسان‌ها امکان می‌دهد تا با مقولات استعماری و خشونت نمادین آشنا شده و با آن‌ها مبارزه کنند؛ خشونت‌هایی که نامحسوس و ناشناخته است و نوعی سلطه

نرم محسوب می‌شود و آهسته و ملایم با اثربخشی بسیاری اعمال می‌گردد. بنابراین، این فیلم گویای رویکرد بوردیو به جامعه‌شناسی است و از این علم به عنوان ابزاری در تشریح جنبش‌های اعتراضی، رسانه‌ای و روشنفکری یاد می‌کند. البته این فیلم به ارتقاء درک مسائل اجتماعی کمک نموده و سطح آگاهی و شناخت انسان‌ها را افزایش می‌دهد. به نظر پیر کارل، جامعه‌شناسی علمی انتقادی است که باید در فرانسه تقویت و گسترش یابد، تا بدین وسیله مردم با مصادیق سلطه نرم و خشونت نمادین آشنا شده و با آن مبارزه کنند.

بوردیو در تبارشناسی ورزش

از تحقیقات "الیاس" و "دانینگ" الهام می‌گیرد. این دو صاحب نظر حوزه ورزش، بر بعد فرهنگی و تغییرپذیری تاریخی "ورزش" تأکید داشتند؛ به طوری که آنها ورزش را مولود بازی‌ها می‌دانستند که با جدا شدن از بازی‌های سنتی و خشن به عنوان یک بازی جدی و قانونمند مطرح شد و در طول تاریخ ماهیت متفاوتی پیدا کردند و نهایتاً به ورزش تبدیل شدند. الیاس، ورزش را یک بازی با دستمایه فعالیت‌های عقلانی، قاعده‌مند می‌داند و معتقد بود که ورزش زمانی پا به عرصه زندگی اجتماعی گذاشت که تا حدود زیادی پدیده‌هایی مثل خشونت، پرخاشگری و ویرانگری تحت کنترل انسان درآمد. از این روی، او ورزش را محمل مناسبی برای تعدیل خشونت‌های فیزیکی قلمداد نمود؛ به همین رو "الیاس" معتقد بود که ورزش پدیده‌ای ضد خشونت و پرخاشگری است، که می‌تواند جایگزین مناسبی برای هیجانات و خلق و خوی ویرانگر و سرکوب‌کننده باشد (جوانمرد؛ ۱۴۰۲). علاوه بر این، بوردیو ورزش را مانند الیاس و دانینگ پدیده‌ای تصور می‌کند که در طول ادوار گذشته دچار دگرذیسی کارکردی شده، به گونه‌ای که از طبقه پایین و کارگر جامعه به مدارس بورژوازی کشیده شد و سپس ضمن تغییر و تحول کارکرد آیینی و سنتی

و چه موقع این نظام کار خود را به صورت میدان رقابت آغاز می‌نماید.

ورزش مدرن بورديو

در مقاله چگونه می‌توان ورزشکار بود. به تشریح بنیادهای تاریخی و بن‌مایه‌های اجتماعی ورزش مدرن پرداخته و آنگاه به تحلیل کارکردهای تربیتی، پرورشی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این پدیده روی آورده است. او تاریخ ورزش را تاریخی نسبتاً مستقل می‌داند که حتی زمانی که تحت الشعاع رویدادهای مهم تاریخی، اقتصادی و فرهنگی قرار گرفته، دارای آهنگ خاص و قوانین تکامل منحصر به فرد بوده است. بورديو در این زمینه هم چند سؤال را مطرح می‌کند که: چه عواملی در تبدیل میدان بازی به میدان ورزش نقش داشته است؟ آیا ظهور ورزش مدرن با گسست کارکردی همراه بوده است؟ آیا بین ورزش‌های مدرن و بازی‌های سنتی و ورزش‌های سلف خود هیچ تشابهی وجود دارد؟ بورديو در مقام پاسخ به این پرسش‌ها، با توجه به دیدگاه یاس معتقد بود، گذار از بازی به ورزش به معنای واقعی کلمه در مدارس ویژه نخبگان جامعه بورژوا اروپا صورت گرفته است؛ یعنی در دبیرستان‌های خصوصی که در آنها فرزندان خانواده بورژوا، تعدادی از بازی‌های عوامانه را گرفته و معنای کارکردی آنها را تغییر داده، به طوری که رابطه تمرینات بدنی نخبگان با مناسبت‌های اجتماعی قطع شده و آنها کارکردهای اجتماعی و فرهنگی به ویژه مذهبی و سنتی خود را که بین توده مردم طرفدار داشته، را از دست داده و این بازی‌ها و تمرینات به مدارس کشیده شدند، تا با این تمرینات ساعات بیکاری و گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان بورژوا را پر کرده و کارکردهای آن به امور تربیتی و آموزشی تبدیل شوند (بورديو، ۲۰۲۱). این جامعه‌شناس فرانسوی با وام گرفتن از دیدگاه‌های یاس، معتقد بود که ورزش مدرن ابزار مناسب و کم‌هزینه‌ای در مراقبت از دانش‌آموزان بوده و می‌تواند بهترین ابزار نظارت بر آنها باشد. ابزاری

و همچنین بنمایه‌های مردمی و عوامانه به مدارس نخبگان بورژوازی اشاعه پیدا کرد و بعد از آنکه در این مدارس کارکردهای سنتی و عامیانه آن دچار دگرذیسی شد، مجدداً به سطح جامعه و توده مردم بازگشت. به اعتقاد وی، اشاعه ورزش از مدارس نخبگان به توده مردم، لزوماً همراه با تغییر کارکردهایی بوده که این دگرگونی‌ها در سطح ورزشکاران و در راستای دگرگونی در انتظارات و مطالبات جماعتی از مردم بوده است. در این راستا، بورديو از منظر جامعه‌شناسی سئوالاتی را مطرح می‌کند. پرسش‌هایی پیرامون کنشگران و کنش‌های ورزشی، مصارف و تولیدات ورزشی، ورزش مدرن و سیر تحول تاریخی و شرایط اجتماعی آن و چگونگی به وجود آمدن گروه‌های تخصصی ورزش که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ارتباط و همبستگی بین کنش‌های ورزشی و متغیرهایی مثل سن، جنس، سطح تحصیلات، شغل و توزیع آنها چگونه است؟ معیارهای گزینش نوع کنش‌ها و مصارف ورزشی در نزد ورزشکاران کدام است؟ علائق و سلائق مردم برای گزینش رشته‌های ورزشی چه برای انجام آن و چه برای تماشای آن چگونه به وجود می‌آید؟ بورديو برای ورود به این مسائل و ارائه پاسخ مناسب به این پرسش‌ها به خاستگاه تاریخی و موقعیت‌های اجتماعی ایجاد ورزش مدرن می‌پردازد و سئوالاتی در این زمینه نیز طرح می‌نماید؛ از جمله اینکه ورزش مدرن چیست؟ شرایط تاریخی و اجتماعی مفهوم جامعه‌شناختی این نوع از ورزش‌ها چگونه است؟ مهمترین عنصر در میدان ورزش کدام است؟ در واقع، او به دنبال این است تا دریابد که چه شرایط اجتماعی در ایجاد و تاسیس نظام‌ها، کنشگران و مصارف ورزش‌های مدرن تأثیر داشته است؟ همچنین گروه‌های متخصص ورزشی چگونه به وجود آمده و چگونه به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق ورزش امرار معاش می‌کنند؟ مضاف بر این، نظام نهادها و کنشگران ورزشی به عنوان یک میدان چگونه عمل نموده

اقتصادی با کمترین هزینه که دانش آموزان را مشغول نگه داشته و مراقبت از آنها را آسان و ارزان می‌نمود. ابزاری برای نظارت و تخلیه خشونت و تعدیل پرخاشگری آنها، هرچند که بورديو معتقد است ورزش خشونت جسمانی و فیزیکی را به خشونت نمادین تبدیل می‌کند. به باور بورديو، کارکردها و مزایای ورزش مدرن امروزی باعث شده که این پدیده به تدریج تبدیل به یک کیش و آیین شده و پیروان زیاد و سرسختی پیدا کند؛ به طوری که، علاوه بر نهادهای ورزشی، انجمن‌ها و سازمان‌های خصوصی و دولتی مثل کارخانه‌ها، سندیکاها و احزاب سیاسی هم به ورزش روی خوش نشان داده و با آغوش باز پذیرای آن بوده و به آن پردازند و در مقابل از مزایا و کارکردهای مطلوب آن بهره‌مند شوند. بورديو در مقاله چگونه می‌توان ورزشکار بود؟ علاوه به پرداختن به ابعاد گوناگون پیامدهای مثبت ورزش، به فلسفه و کارکردهای سیاسی ورزش هم پرداخته است. به گمان وی، ایجاد میدان ورزش همراه با تدوین فلسفه سیاسی ورزشی بوده است. او سیاست ورزشی را بخشی از ورزش مدرن تصور می‌کند و به تحلیل این پدیده با حوزه قدرت پرداخته است. از نظر او، ورزش مدرن عمدتاً با واقعیت‌های اجتماع مرتبط است و شامل یک دسته روابط عینی و تاریخی بین موقعیت‌ها و اشکال مختلف قدرت است. به گمان بورديو، ورزش میدانی برای رقابت بر سر قدرت است. ابزاری در دست طبقه حاکم به عنوان بسیج و فتح نمادین سیاسی توده‌ها به ویژه جوانان است؛ وسیله ای برای رقابت برای سلطه و سلطه‌گری حکومت‌ها، سازوکاری که قدرت تجمع جمعیتی زیادی داشته و توده مردم را با فراخوان عمومی بسیج می‌نماید. او عرصه و میدان ورزش را به ظاهر غیرسیاسی می‌داند که دائماً سیاست و سیاسیون در آن حضور فعال و پرشور داشته و قدرت سیاسی در آن در کوتاه مدت بازتولید می‌شود (بورديو، ۱۳۹۸).

هویت ملی

احساس تعلق فرد به یک دولت یا یک ملت است. یک حس مشترک که مردم به یک وحدت کلی درک می‌کنند که نمود خود را در سنت‌ها، فرهنگ یا زبان سیاست نشان می‌دهد. هویت ملی از نظر روانشناختی به عنوان آگاهی و احساس از تفاوت بین ما و آنها تلقی می‌شود. به عنوان یک پدیده جمعی، هویت ملی می‌تواند به عنوان یک نتیجه مستقیم از حضور عناصر از «نقاط مشترک» در زندگی روزمره مردم به وجود آید مانند نمادهای ملی، زبان، تاریخ ملت، آگاهی ملی و آثار باستانی. هویت ملی در شکل مثبت آن می‌تواند به مهین‌پرستی که با غرور ملی و احساسات مثبت به کشور مشخص می‌شود همراه دانست ولی در حالت افراطی به شوونیسم و برتری کشور و افراطی‌گری ختم شود. هویت ملی یک ویژگی ذاتی نیست و یک نظام برساخته از روابط اجتماعی است که فرد با اتکا به «نقاط مشترک» در روابط اجتماعی با سایر مردم به آن می‌رسد و دامنه آن می‌تواند از نمادهای ملی مشترک، زبان، تاریخ ملت، پیوندهای خونی و نژادی، موسیقی، خوراک و سبک آشپزی و غیره باشد. تحت تأثیرات مختلف اجتماعی، افراد با اتخاذ اعتقادات، ارزش‌ها، فرضیات و انتظاراتی که با هویت ملی فرد همسو می‌شوند، هویت ملی را در هویت شخصی خود گنجانیده‌اند. افراد با شناسایی ملت خود، اعتقادات و ارزش‌های ملی را از نظر شخصی معنادار می‌دانند و این باورها و ارزش‌ها را در کارهای روزمره ترجمه می‌کنند. ((روپرت امرسون» هویت ملی را «توده‌ای از مردم که احساس می‌کنند یک ملت هستند» تعریف هویت ملی می‌داند (دیکشنری آبادیس).

هویت ملی از مقولاتی است که در قرن بیستم و بعد از شکل‌گیری سیاسی نظام بین‌المللی قالب مفهومی خاص خود را پیدا کرد؛ هر چند که همواره یکی از مشغله‌های ذهنی اندیشمندان ایرانی بوده است. هویت ملی نیز، مانند هویت، تعاریف مختلفی دارد. در یک تعریف: هویت ملی، همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی

یکدیگر ندارند؛ بنابراین، مقوله هویت انسانی که در دوران رشد و تکوین انسان در جامعه شکل می‌گیرد، کاملاً اجتماعی و جامعه‌شناسانه است و ربطی به خون و نژاد و رنگ پوست و غیره ندارد.

آموزش و عوامل اجتماعی شدن

آموزش کلیدی‌ترین بخش عوامل اجتماعی شدن است. عوامل اجتماعی شدن نظیر (مدرسه، خانواده، دانشگاه،...) همگی از طریق آموزش می‌توانند بر فرد تأثیر بگذارند. اریکسون در مقاله‌ای با عنوان رشد و تعهد مذهبی نوجوانان به نقش خانواده و گروه همسالان و آموزش پرداخته است. از نظر وی آموزش مهمترین عنصر در میان عوامل جامعه‌پذیری است (اریکسون، ۱۹۹۲).

فرد در تعامل با عوامل اجتماعی شدن با آموزه‌های مواجه می‌شود که به صورت هدفمند و یا ناخودآگاه ارائه شده و آموزش داده می‌شوند. عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری در فرآیند زندگی به نحوی نیست‌مند و یا غیر نیست‌مند به آموزش فرد کمک می‌کند. بنابراین میزان آموزش رسمی و غیررسمی دینی در فرآیند زندگی بر دینداری افراد مؤثرند. از سوی دیگر همچنان که پیتز برگر به نقش تحصیلات و دانشگاهی اشاره می‌کند در برخی رشته‌های تحصیلی نسبت به سایر رشته‌ها التزام کمتری نسبت به دینداری مشاهده می‌شود. (سراج‌زاده، ۱۳۷۴).

تعریف ورزشکار

فرهنگ لغت اصطلاح‌نامه ورزشکار را به عنوان فردی که در تمرینات یا مسابقاتی که شامل چابکی بدنی، استقامت، یا قدرت آموزش دیده یا با استعداد است، تعریف می‌کند. شرکت کننده در یک ورزش، ورزش یا بازی که به مهارت فیزیکی نیاز دارد. اما ورزشکار بودن مستلزم فراتر از قوی بودن و رقابت در مسابقات ورزشی است. این امر مستلزم ساعت‌ها و ساعت‌ها تمرین هر روز و تمرین برای سالیان متمادی است که معمولاً با راهنمایی مربی انجام می‌شود. (قدیمی، ۱۳۹۷).

و نسبت به کل جامعه در نظر گرفته شده است و می‌توان گفت هویت ملی به این معناست که افراد یک جامعه، نوعی منشأ مشترک را در خود احساس می‌کنند (یوسفی، ۱۳۷۹). در تعریفی دیگر: «هویت ملی، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی، است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود؛ و لذا، هویت ملی، اصلی‌ترین سنتز و حلقه‌ی ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است» (حاجیان، ۱۳۷۹).

چیستی هویت

هویت شامل خاطرات، تجربیات، روابط و ارزش‌هایی است که احساس خود را ایجاد می‌کنند. حس ثابتی از اینکه فرد در طول زمان کیست. حتی زمانی که جنبه‌های جدیدی ایجاد شده و در هویت فرد گنجانده می‌شود. همه با سؤالات وجودی مانند «من کیستم؟» و «من می‌خواهم خود آینده‌ام چه کسی باشد؟» دست و پنجه نرم می‌کنند. یکی از دلایل ممکن است این باشد که پاسخ‌ها بسیار پیچیده خواهند بود. هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند، گفته می‌شود. هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دخالت کند و آن‌ها را در یک ظرف مکانی و زمانی معین به‌طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز سازد. (منصوری، ۱۳۹۰).

هویت اجتماعی

هویت اجتماعی، مقوله‌ای انسانی است. همه انسان‌ها به هنگام تولد، فارغ از اینکه در کجای زمین به دنیا می‌آیند و یا از چه تعلق قومی و قبیله‌ای برخوردارند، دارای ویژگی‌های یکسان نوع انسانی، در میان انواع موجودات زنده هستند و هیچ‌گونه تفاوت ماهوی با

تعریف مفهوم ورزشکاران زن

ورزش زنان شامل همه مسابقات خاص زنان چه در شکل حرفه‌ای، آماتور یا ورزش همگانی در تمام رشته‌های ورزشی می‌شود. مشارکت زنان در ورزش در قرن بیستم میلادی، به ویژه در اواخر آن افزایش چشمگیری یافت. این افزایش تحت تأثیر تغییرات فرهنگی جامعه بود که بر برابری جنسیتی تأکید داشت. در دنیای امروز شاید هیچ رشته ورزشی که زنان در آن مشارکت نوزند یا آن که ورزش ویژه‌ای برای زنان تلقی شوند یافت نگردد، اما میزان این مشارکت در هر رشته ورزشی و هر کشور متفاوت است. فرهنگ یا قوانین برخی از کشورها محدودیت‌هایی را برای حضور زنان در بعضی از رشته‌ها به همراه دارد و نیز میزان مشارکت و علاقه آنان در برخی از رشته‌های ورزشی مانند بوکس، کشتی، وزنه‌برداری و انواع فوتبال بسیار کمتر از همبازیان مرد خود است. در مقابل در تعدادی از ورزش‌ها مانند تنیس، ژیمناستیک، پاتیناژ نمایشی و والیبال ساحلی ورزشکاران زن اهمیت بیشتر یا حداقل برابری با هم‌تایان مرد خود یافته‌اند. به‌طور کلی ورزش در دو بُعد حرفه‌ای و عمومی بررسی می‌شود. ورزش حرفه‌ای به مسابقات رسمی و شغل ورزشکاری برمی‌گردد ولی ورزش عمومی مربوط به انجام تمرینات ورزشی توسط تمام افراد جامعه و سلامتی عمومی افراد است و حداقل روزانه ۳۰ دقیقه و ۵ روز در هفته توصیه می‌شود. از این نظر ورزش و انجام تمرین‌های ورزشی در میان زنان جایگاه بسیار پایینی دارد (جربر، ۱۹۷۴).

پیشینه تحقیقات داخلی

سمانه نظری و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیل و واکاوی جامعه‌شناختی کلیشه‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان" پژوهش حاضر از نوع تحقیق کیفی و با استفاده از روش تحلیل تماتیک (تحلیل مضمون) انجام گردید. براین اساس، ۱۵۰ پژوهش معتبر از مجموعه اسناد و پژوهش‌های علمی از پایگاه‌های

پراستناد معتبر علمی با محوریت کلیشه‌های جنسیتی در ورزش، به صورت نمونه‌گیری هدفمند و براساس اشتراک مفهومی، مورد تحلیل و کدگذاری قرار گرفت. به‌طور کلی، از ۸ مضمون پایه (اصلی)، ۴ مضمون سازمان دهنده و درنهایت تم فراگیر استخراج شد که شبکه مضامین مرتبط با کلیشه‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان را ترسیم و تحلیل می‌کند. روش اعتبارسنجی پژوهش نیز براساس ارائه و بازخورد نتایج پژوهش به صاحب‌نظران برای تأیید نهایی آن اعمال گردید. براساس تحلیل مضمون داده‌های پژوهش، چهار مضمون سازمان‌دهنده شامل کلیشه‌های هویت جنسیتی، کلیشه‌های هویت بدنی، کلیشه‌های هویت ورزشی و در نهایت، بازنمایی رسانه‌ای کلیشه‌های جنسیتی در ورزش زنان شناسایی شدند که توانستند مضمون مرکزی کلیشه‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان را آشکار سازند. به‌طور کلی، کلیشه‌های جنسیتی سطح وسیعی از ورزش زنان را از ظاهر ورزشکار تا هویت جنسیتی وی، عملکرد ورزشی زنان و درنهایت نوع بازنمایی آنها را در بر می‌گیرند. از این رو، زنان ورزشکار و همچنین بسیاری از عاملان بانفوذ در ورزش می‌توانند کلیشه‌های جنسیتی را از میان بردارند که مانند دیوار محکمی در مقابل پیشرفت زنان ورزشکار قرار دارد.

رحمانی و قاسم‌زاده (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان "تبیین روابط بین هویت دینی و ملی (دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی)"، به این نتیجه دست یافتند: که هویت دینی و ابعاد آن، با هویت ملی در بین دانشجومعلمان همبستگی مستقیم و معنی‌دار دارد. در دنیای امروز که ارتباطات وسیع، رشد روزافزون فناوری‌های مختلف، مواجهات فرهنگی متنوع و غیره از ویژگی‌های بارز آن است، مسئله هویت در ابعاد مختلف آن از جمله هویت دینی و ملی به موضوع اصلی در بررسی‌های اجتماعی تبدیل شده است. این مهم به ویژه در دانشگاه فرهنگیان که مرکز ثقل آموزش و پرورش

کشور و مسئول تربیت نسل آینده کشور است، بیش از پیش اهمیت می‌یابد. پژوهش حاضر با هدف تبیین روابط بین هویت ملی و دینی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی و به روش توصیفی-همبستگی صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجومعلمان این دانشگاه در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ به تعداد ۳۹۹۰ نفر بودند. حجم نمونه براساس جدول مورگان ۳۵۱ نفر و به تناسب شامل ۱۴۱ دانشجوی دختر و ۲۱۰ دانشجوی پسر تعیین و به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه استاندارد هویت ملی و دینی بوده است. در خصوص روایی ابزار از روایی صوری استفاده شد و پایایی ابزارها نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۵۳ و ۰/۸۶۴ محاسبه شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از بالا بودن میزان هویت دینی و ملی در بین دانشجومعلمان استان آذربایجان شرقی است.

احمدپور (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان "راهکارهای تقویت هویت ملی در نوجوانان" معنا و مفهوم اصلی هویت ملی در آمیخته با حس وطن دوستی است. بیشتر مردم بر این باورند کسی هویت ملی را پاس می‌دارد که بخواهد برای وطنش جان فشانی کند در حالی که ماندن از وطن چیزی ساختن بهر شکستن یعنی خلوص در به سرانجام رسانی هویت ملی. هویت ملی یک ویژگی ذاتی نیست و یک نظام بر ساخته از روابط اجتماعی است که فرد با اتکا به «نقاط مشترک» در روابط اجتماعی با سایر مردم به آن می‌رسد و دامنه آن می‌تواند از نمادهای ملی مشترک، زبان، تاریخ ملت، پیوندهای خونی و نژادی، موسیقی، خوراک و سبک آشپزی و... باشد. تحت تأثیرات مختلف اجتماعی، افراد با اتخاذ اعتقادات، ارزش‌ها، فرضیات و انتظاراتی که با هویت ملی فرد همسو می‌شوند، هویت ملی را در هویت شخصی خود

گنجانیده‌اند. افراد با شناسایی ملت خود، اعتقادات و ارزش‌های ملی را از نظر شخصی معنادار می‌دانند و این باورها و ارزش‌ها را در کارهای روزمره ترجمه می‌کنند. در این پروژه دو مولفه هویت ملی و نوجوانان ایران را مورد بررسی قرار دادیم و نتایج حاکی از آن است که: فعالیت‌های غیر عملی هیچ تغییری در اراده و هویت ملی نوجوانان پدید نمی‌آورد. این نسل نیاز دارند با بهترین و مناسب‌ترین تکنولوژی روز دنیا و با استفاده از ارتباطات حسنه و از بین بردن شکاف نسلی شاخصه هویت ملی‌شان را تقویت کرد.

قبادی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان "ابعاد چهارگانه هویت ایرانی در سند دانشگاه اسلامی" یافته‌های این پژوهش نشان داده است که سیاست‌گذار در برخی از فرازهای سند به کلی گویی، ابهام و بعضاً تناقض‌گویی دچار شده است؛ اما در برخی از فرازهای دیگر، به دلیل عینیت رسالت‌ها و مأموریت‌های دانشگاه، سازگاری ابعاد چهارگانه هویت به ویژه هویت دینی و مدرن در این سند وجود دارد و تعادل نسبی بین آن‌ها برقرار شده است. بخش اول: کلیات سند (مأموریت، اصول و مبانی، چشم‌انداز، اهداف کلان) نخستین فصل از سند مزبور (بعد از مقدمه) با عنوان «مأموریت» است: «آموزش عالی کشور رسالت‌های مختلفی در ابعاد فرهنگی تربیتی، آموزشی، پژوهش و فناوری و مدیریتی بر عهده دارد که باید آن‌ها را به صورت نظام‌واره لحاظ نمود و مهمترین آن‌ها عبارت‌اند از: تربیت متخصصان متعهد، خلاق، متخلق، ماهر و کارآفرین؛ تولید، انتقال و انتشار علم و فناوری در خدمت نیازهای جامعه اسلامی ساختاری کارآمد و اثربخش با تعامل سازنده و اثرگذار در سطوح ملی، منطقه‌ای و فراملی» کلیدواژه‌های دیگری در بخش اصول و مبانی وجود دارد که بیانگر توجه به هویت مدرن در سند است؛ عبارات «تولید دانش و فرهنگ تمدنی با رویکرد اسلامی و آینده‌پژوهانه و تأثیرگذار

و الگو برای دانشگاه‌های جهان و احراز مرجعیت علمی» همگی دالی بر هویت مدرن است و قید رویکرد اسلامی در اینجا قید تأکیدی به نظر می‌رسد.

جهرمی و قدیمی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل جامعه شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران رزشکار شهر تهران در رشته انفرادی" هدف از مقاله پیش رو تحلیل جامعه شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خود پذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار شهر تهران در رشته انفرادی (بدنساز) می‌باشد و برای اجرای آن از روش تحقیق ترکیبی با طرح اکتشافی استفاده شده است. ابتدا در بخش کیفی پژوهش با استفاده از تکنیک گراند تئوری مدل استراوس و کوربین، مصاحبه‌ای با ۴۹ نفر صورت پذیرفت. سپس، در بخش کمی به شیوه پیمایشی، پرسشنامه‌های تهیه و در اختیار ۱۲۰ نفر قرار داده شد. اعتبار پرسشنامه را صاحب‌نظران تأیید کردند و پایایی آن با آلفای کرونباخ (۰/۹۷۷) محاسبه شد. در این خروجی از مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس استفاده گردید و به بررسی مسیرهای مشخص پژوهش مطابق با مدل مفهومی پرداخته شد. شاخص برازش مدل کمی ۰/۸۸ و بیانگر مطلوبیت قوی مدل است که محکی برای اعتبار نظریه برپایه تلقی می‌شود. نتایج یافته‌های بخش کیفی در قالب ۶ مفهوم: شرایط علی شامل: ضعف ویژگی‌های شخصیتی؛ پدیده‌ی محوری: خودپذیرشی و عدم اعتماد به نفس؛ شرایط مداخله‌گر: نقش دوستان و مربیان؛ شرایط زمینه‌ای: عادت واره دختران ورزشکار؛ کنش و تعامل‌ها: مدیریت بدن؛ پیامدها: احساس رضایت از خود و تأیید دیگران می‌باشد. براساس یافته‌های بدست آمده، اغراق گویی دختران ورزشکار بدنساز از خود، ناشی از آگاهی و احساس دختر بدنساز، از خانواده و جامعه نسبت به پدیده ورزش بدنسازی می‌باشد که این نوع رفتار بازخوردی از نگرش منفی در تعامل‌ها و روابط بینابینی

حاصل می‌شود.

امینی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "هویت ملی در جامعه ایران و چالش‌ها و مشکلات آن" که میانگین مؤلفه‌های هویت دینی و ملی بالاتر از حد متوسط است و بین هویت دینی و ملی نیز رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مقالات انتخاب شده با وجود نتایج و دستاوردهای قابل ملاحظه و قابل کاربرد با خلأها و کاستی‌های عدیده‌ای در حوزه روانشناختی چون: تقلیل‌گرایی و دشواری مقایسه‌پذیری و در حوزه تحلیلی چون: کلی‌نگری در مقابل جزئی‌نگری، تقلیل‌گرایی در مقابل جامع‌گرایی، کاهش‌گرایی تحلیلی چالش‌ها و مشکلات ابعاد مختلف هویت ملی، کاهش‌گرایی تحلیلی چالش‌ها و مشکلات رابطه هویت ملی و هویت‌های جمعی مواجه می‌باشند.

خواجه افلاطون و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله با عنوان "بررسی عوامل موثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی" پژوهش به روش آمیخته انجام شده است. جامعه آماری بخش کیفی شامل ۱۳ نفر از صاحب‌نظران حیطه پژوهش و جامعه آماری بخش کمی تمامی ورزشکاران تیم‌های ملی ایران در رشته‌های ورزشی مختلف بودند که اطلاعات دقیقی در خصوص تعداد آنان در دسترس نبود. بدین صورت ۲۰۰ نفر از این افراد به صورت در دسترس، به عنوان نمونه پژوهش مشخص شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل مصاحبه و پرسش‌نامه بود. در بخش کیفی پژوهش ۲۴ عامل از طریق مصاحبه‌های انجام شده استخراج شد. این عوامل در چهار دسته عوامل تیمی، فنی، فردی و خانوادگی-دوستان تقسیم‌بندی شدند. نتایج پژوهش نشان داد تمامی عوامل شناسایی شده بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی تأثیری معنادار دارد. در این میان، میزان تأثیر عوامل فردی در جهت هویت حرفه‌ای

ورزشکاران تیم‌های ملی بیش از سایر عوامل است. ۱۳۹۹- جواد بقائی سرابی و بهرام قدیمی (۱۳۹۹) در مقاله با عنوان "ارتباط عملکرد ورزشی تیم‌های ملی با هویت ملی" هدف چهار موقعیت عملکردی شامل موفقیت در عین انتظار موفقیت، موفقیت در عین انتظار شکست، شکست در عین انتظار موفقیت و شکست در عین انتظار شکست تشخیص داده شد. همچنین برای هویت ملی چهار حالت یا وضعیت شامل هویت ملی خودگرایی تقویت یافته: سربلندی ملی، هویت ملی خودگرایی تضعیف شده: شرمساری ملی، هویت ملی غریبه ستیز تقویت یافته: غرور ملی و هویت ملی غریبه ستیز تضعیف شده: سرافکندگی ملی در نظر گرفته شد. پژوهش از نوع همبستگی- مقطعی است. برای تعیین اعتبار پرسشنامه از اعتبار محتوایی بهره گرفته شد و برای احراز پایایی آن از روش پایایی همسانی درونی و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. جامعه آماری شامل دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب است که ۳۱۸ نفر از آنان با استفاده از روش نمونه‌گیری احتمالی از نوع طبقه‌ای نامتناسب با حجم انتخاب شدند. نتایج نشان داد که اولاً موفقیت یا شکست ورزش ملی در هر حالتی به ترتیب موجب تقویت یا تضعیف هویت ملی می‌شود. ثانیاً تقویت یا تضعیف مضاعف هویت ملی بستگی به چارچوب تفسیری مسلط از عملکرد ورزش ملی دارد به طوری که موفقیت‌ها یا شکست‌های دور از انتظار ورزش ملی بیش از موفقیت‌ها یا شکست‌های قابل انتظار زمینه تقویت یا تضعیف هویت ملی را فراهم می‌کنند؛ بنابراین مبحث هویت ملی ازجمله مسائل و ابعاد مهم در زندگی اجتماعی است که می‌تواند به طور مستقیم تحت تأثیر عملکرد ورزشی تیم‌های ملی دچار تغییر گردد. مهدی شهبازی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله با عنوان "تعیین شاخص‌ها و ویژگی‌های فرهنگی معنوی در

ورزش کشور" روش انجام پژوهش آمیخته و جامعه آماری در بخش کیفی را مدیران ستادی، اساتید مدیریت ورزشی و پژوهشگران این حوزه و در بخش کمی مدیران و متخصصان ورزشی، اساتید مدیریت ورزشی و پژوهشگران تشکیل دادند. به صورت هدفمند ۶۵ پرسشنامه محقق ساخته به صورت آنلاین و میدانی توزیع شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی برای ویژگی‌های جمعیت شناختی و آمار استنباطی آزمون فریدمن در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ با نرم‌افزار SPSS برای اولویت‌بندی شاخص‌ها و مؤلفه‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد در رتبه‌بندی مربوط به مؤلفه‌های شاخص فرهنگی ورزش کشور بیشترین میانگین رتبه مربوط به فعالیت‌های فرهنگی در ورزش و کمترین میانگین رتبه مربوط به ارتباطات و مبادلات فرهنگی بوده است. در رتبه‌بندی مربوط به مؤلفه‌های شاخص معنوی ورزش نیز بیشترین میانگین رتبه مربوط به فعالیت معنوی در ورزش و کمترین میانگین رتبه مربوط به هویت دینی در ورزش بوده است.

علی شهوندی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله با عنوان "بررسی عوامل مرتبط با هویت اجتماعی زنان" روش پژوهش پیمایش می‌باشد. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. حجم نمونه شامل ۳۷۷ نفر زن واقع در سن ۱۸ تا ۶۴ سال بخش مرکزی شهرستان پارساگاد بوده است. ابزار پژوهش در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته است. با استفاده از نظریه‌های گیدنز و تاجفل ۹ فرضیه مطرح شد و ارتباط متغیرهای: ۱- سن، ۲- تحصیلات، ۳- ساعات مطالعه، ۴- داشتن مهارت‌های فردی، ۵- رضایت از زندگی، ۶- وضعیت اشتغال، ۷- شرکت در مجالس مذهبی، ۸- عضویت در گروه‌های ورزشی و ۹- وضعیت تاهل، با هویت اجتماعی زنان مورد مطالعه قرار گرفت. اعتبار این پژوهش صوری و روایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ محاسبه شد. نتایج بدست آمده از تحلیل

دو متغیره داده‌ها نشان داد که ارتباط تمامی متغیرها به جز متغیر عضویت در گروه‌های ورزشی با متغیر هویت اجتماعی زنان معنادار است. نتایج بدست آمده از تحلیل چند متغیره داده‌ها با استفاده از رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد که ۴ متغیر رضایت از زندگی، ساعات مطالعه، شرکت در مجالس مذهبی و داشتن مهارت‌های فردی؛ بترتیب وارد معادله رگرسیونی شده و بر متغیر هویت اجتماعی تاثیرگذار بودند. این چهار متغیر روی هم ۰/۳۳ از متغیر واریانس وابسته را تبیین کردند.

پیشینه تحقیقات خارجی

محمد صادق فروزه و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله انگلیسی با عنوان "تحلیل گفتمان ورزش بانوان در ایران" توسعه ورزش زنان گامی به سوی توسعه ملی است. علاوه بر این به علت تاثیر ورزش زنان بر زندگی خانواده و اجتماع بیشتر مورد توجه دولت و مردم قرار گرفته است. هدف از این پژوهش بررسی گفتمان اصلی مدیران ورزشی در حوزه ورزش زنان بود. تحقیق از نوع توصیفی بود که با تحلیل کیفی و با رویکرد تحلیل گفتمان از سخنرانی و مصاحبه‌های ۳۴ نفر از مدیران ارشد در حوزه ورزش و جوانان و کدگذاری آن در یک دوره ۸ ماهه از فروردین تا دی ماه ۱۳۹۹ مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های حاصل از مصاحبه و سخنرانی‌های مدیران کدگذاری و در قالب ۱۹ مفهوم و ۸ مقوله‌ی اعتدال، فرهنگ‌سازی، پرورش استعدادها، توسعه ورزش، کارایی ورزش، مدیریت پروری، افتخارآفرینی و الزامات ورزش طبقه‌بندی شد. بنظر می‌رسد مشارکت زنان در ورزش باعث خواهد شد تا آن‌ها به عنوان قانون‌گذاران، مدیران، مبارزان برای حقوق خود و رهبران سازمان‌های ورزشی تلاش کنند. بنابراین بسیار مهم است تا رسانه‌ها و مدیران ارشد در جایگاه خود با حمایت و وضع قوانین در جهت توانمندسازی ورزش بانوان گام‌های استوارتری بردارند.

سعید نیکنام و بهرام قدیمی (۲۰۲۱) در مقاله با عنوان

"تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به بازتولید هویت ملی در تیم ملی فوتبال (از دیدگاه زیر تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی ایران)" هدف پژوهش حاضر، تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر (احساس اقتدارطلبی، احساس کارآمدی، احساس ناکامی، احساس محرومیت، خصوصیات فردی) بر نگرش هواداران به بازتولید هویت ملی تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی ایران (متغیر وابسته)، می‌باشد. در این پژوهش براساس روش تحقیق پیمایشی، با استناد بر تکنیک مصاحبه کتبی، سعی گردیده با مراجعه به ۴۰۰ نفر از هواداران تیم ملی فوتبال شهر تهران (به روش نمونه‌گیری متناسب با محیط تحقیق و برآورد حجم نمونه به کمک جدول مورگان) مصاحبه شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نگرش هواداران به بازتولید هویت ملی، بستگی به احساس اقتدارطلبی (۳۴.۰+) و احساس ناکامی (۳۲.۰+) دارد. بنابراین می‌توان گفت هویت افراد در جریانات ورزشی مانند بازی‌های تیم ملی فوتبال، بازآفرینی می‌شود و برای استفاده از این ظرفیت می‌بایست بدون توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از قبیل: جنس، سن و... به کنترل و هدایت هیجانات افراد با توسعه فضاهای ورزشی مبادرت نمود تا بتوان در راه هویت‌سازی مجدد و بازآفرینی هویتی افراد، گام‌های موثری برداشت. بر این اساس، پرداختن به بازآفرینی هویتی در جریانات ورزشی، فرصتی بی‌نظیر برای همگان به ویژه هواداران تیم ملی فراهم می‌آورد تا هم در وقایع مهم جامعه مشارکت داشته و هم‌چنین روحیه تحمل و به عبارت بهتر، آستانه تحمل‌شان افزایش یابد. بدون شک، جامعه فعلی و کنونی مانند جنس و... گرفته می‌شود که این روند، سه نوع هویت مشروعیت‌بخش، مقاومت و برنامه‌دار، را خدشه‌دار کرده است. بنابراین استفاده از جریانات ورزشی که به خلق و بازآفرینی هویت هواداران، می‌تواند واقعیت‌هایی را مانند: افزایش حس کارآمدی، کاهش ناکامی، افزایش همبستگی و... در بین

افراد جامعه خواهد شد.

داوود نوری و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله با عنوان "فوتبال و سیاست: سیاست فوتبال" فوتبال در سده اخیر حضور چشمگیری در تبادلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مهمتر از آن سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده است؛ به طوری که این ورزش باورها، نگرش‌ها و عملکردها را تحت تأثیر خود قرار داده است و به عنوان یکی از عوامل موثر در شکل‌گیری سیاست‌ها و مناسبات داخلی و خارجی می‌تواند کارکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک داشته باشد و تحولات زیادی را برای کشورها رقم بزند. از این‌رو، ورزش و فعالیت‌های ورزشی از یک فعالیت بدنی یا نوعی سرگرمی فراتر رفته و اهداف و کارکردهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده است. تحلیل نظریات و مبانی پژوهش نشان می‌دهد از میان پدیده‌های مختلف، فوتبال به عنوان یکی از مصادیق برنامه‌های روابط بین کشورها توانسته جایگاه ویژه‌ای در میان برنامه‌های کشورهای در حال توسعه برای بیان خواسته‌های خود از جامعه جهانی داشته باشد. جا دارد کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فوتبال و آثار و تبعات آن بر سطح تعاملات بین دولت‌ها و دیگران بازیگران بین‌المللی تثویز و مفهوم‌سازی شود. براساس یافته‌های این پژوهش کارویژه‌ها و کارکردهای دیپلماسی فوتبال می‌تواند به مثابه تقویت هویت ملی، به عنوان ابزار توسعه، ابزار صلح و آشتی، ابزاری برای نوع دوستی و بهبود مناسبات، ابزار قدرت نرم، ابزاری برای همگرایی و گفتگو در بعد ملی و بین‌المللی کشورها به کار رود. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی تنظیم شده است. روش جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و بررسی مقایسه است.

ماریا (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان "هویت و رفتار ورزشی دانشجویان ورزشکار" با در نظر داشتن

زمینه‌های ورزشی و علمی نشان دادند بین هویت ورزشی و هویت دانشگاهی دانشجویان ارتباط مثبت معنادار وجود دارد.

سورک (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان "فوتبال آمریکایی و غرور ملی تفاوت‌های نژادی" در این گفتمان، معنای ناسیونالیسم به نوعی از ناسیونالیسم لیبرال پایبند است که هویت آمریکایی را به برخی ارزش‌ها و (به اصطلاح) احساسات ملی مرتبط می‌کند. در این مورد، هویت آمریکایی با ارزش‌های سنتی آمریکا و ایدئولوژی‌های فردگرایی، آزادی شخصی و شایسته‌سالاری به عنوان چیزهایی که آمریکا را بزرگ می‌کنند، و به عنوان چیزی که ایالات متحده را می‌سازد، نشان داده شد. ملتی که ارزش مبارزه و حفظ را دارد. در گفتمان ملی‌گرایی پسانژادی، مفاهیم شهروندی فراگیر و آرمان‌های فردگرایانه برابری (یعنی اشکال لیبرالیسم انتزاعی) برای همه جای این ایده را می‌گیرد که نژاد مانع است، زیرا گفته می‌شود همه به فرصت‌های اجتماعی مرتبط با آن دسترسی دارند.

کیتون و گرهارت (۲۰۱۴) به عنوان پیش بررسی "شکل‌گیری هویت، قدرت هویت" خود گروه‌بندی پیش‌بینی‌کننده‌های نتایج روانشناختی مؤثر: مدل انعکاس دهنده پاسخ‌های هواداران به نتایج ضعیف و قوی یک فصل فوتبال»، نشان دادند شکل‌گیری هویت بر خود گروه‌بندی و خود گروه‌بندی بر پاسخ‌های عاطفی و اثرات روانشناختی (عزت‌نفس، شادی، غرور، خوداتکایی، رضایت‌مندی و لذت) تأثیر مثبت معنادار دارد. خود گروه‌بندی شرایطی است که یک فرد، مجموعه‌ای از افراد (و خود) را با در نظر گرفتن همه پیامدهای آن، به عنوان یک گروه درک می‌کند.

بوگدانو (۲۰۱۱) در رساله دکتری خود با عنوان "تأثیر هویت تیم ملی بر هویت ملی" چهار گروه هویتی (تیمی، منطقه‌ای، مذهبی و ملی) را بر مبنای مطالعه هیرو جیمز (۲۰۰۷) در نظر گرفت. تحقیق وی روی دو گروه از

شهروندان کشورهای صربستان و ایرلند اجرا شد. نتایج نشان داد در هر دو کشور، تأثیر هویت تیم ملی بر هویت ملی معنادار است. همچنین مدل پیشنهادی، ۴۹ درصد از واریانس هویت ملی را در صربستان و ۵۵ درصد از واریانس هویت ملی را در ایرلند تبیین کرد. تجزیه و تحلیل بیشتر نشان داد در ایرلند، هویت مذهبی و منطقه‌ای اهمیت بیشتری در ایجاد هویت ملی در مقایسه با صربستان دارد.

جامعه آماری

حجم نمونه در بخش کیفی، شامل مسئولین ورزشی، رؤسای فدراسیون‌های (تکواندو، کاراته، کبده، هاکی، فوتبال، فوتسال، والیبال) خبرگان و صاحب‌نظران که بصورت کاملاً هدفمند و در پاره‌ای موارد بصورت گلوله برفی به تعداد ۲۸ نفر تا تحقق اشباع نظری انتخاب شدند.

در بخش کمی، جامعه آماری شامل کلیه کارکنان فدراسیون‌های ورزش‌های تکواندو، کاراته، کبده،

هاکی، فوتبال، فوتسال و والیبال بودند که با استفاده از روش محاسبه حداقل حجم بصورت تمام شماری و به تعداد ۲۸ نفر انتخاب شدند. که پرسشنامه‌های محقق ساخت در این گروه و ورزشکاران مرتبط در اماکن ورزشی، خانه تکواندو جمهوری اسلامی ایران، کمپ تیم‌های ملی کبده، ورزشگاه انقلاب محل فدراسیون هاکی جمهوری اسلامی ایران، کمپ ورزشگاه آزادی برای فدراسیون فوتبال و فوتسال جمهوری اسلامی ایران، ورزشگاه کبکانیان خانه کاراته جمهوری اسلامی ایران و در نهایت کمپ والیبال جمهوری اسلامی ایران توزیع شد و محقق در طول سه ماه با ارتباط‌گیری با روابط عمومی فدراسیون‌های ذکر شده و نامه‌نگاری و مجوزها به هر یک از مراکز مراجعه کرده و با جلب اعتماد مسئولین- کادر فنی و ورزشکاران و ملی پوشان زن رشته‌های ذکر شده به توزیع پرسش‌نامه مبادرت نموده است.

جدول ۱- خروجی شاخص‌های توزیع داده و آزمون آماری شاپیرو-ویلک برای بررسی مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های پرسشنامه از منظر پاسخ دهندگان بخش کمی

متغیر	آماره چولگی	آماره کشیدگی	آماره W	درجه آزادی	سطح معناداری
تعهد به هویت اجتماعی	۰.۳۲	-۰.۲۳	۰.۹۷۸	۲۱۶	۰.۲۲۸

جدول ۲- نتایج بررسی مفروضه عدم رابطه هم‌خطی بین متغیرهای آشکار عوامل اجتماعی از متغیر پنهان‌های پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی

سازه	متغیرها	همبستگی پیرسون	واریانس تورم	تولرانس	دترمینان ماتریس همبستگی
عوامل اجتماعی موثر بر پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی	فشار اجتماعی	۰.۶۹	۱.۲۷	۰.۸۴	۰.۵۰
	رسانه‌های تبلیغاتی	۰.۶۶	۱.۲۴	۰.۷۸	
	نظام خانوادگی	۰.۷۲	۱.۱۷	۰.۷۳	

کمی بود که روایی و پایایی ابزار در دو بخش کیفی و کمی بررسی و تایید شد.

برای سنجش اعتبار مدل از منظر مشارکت کنندگان بخش کیفی و همچنین از منظر پاسخ دهندگان بخش

جدول ۳- خروجی شاخص‌های توزیع داده و آزمون آماری شاپیرو-ویلک برای بررسی مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های پرسشنامه اعتبارسنجی از منظر مشارکت کنندگان بخش کیفی

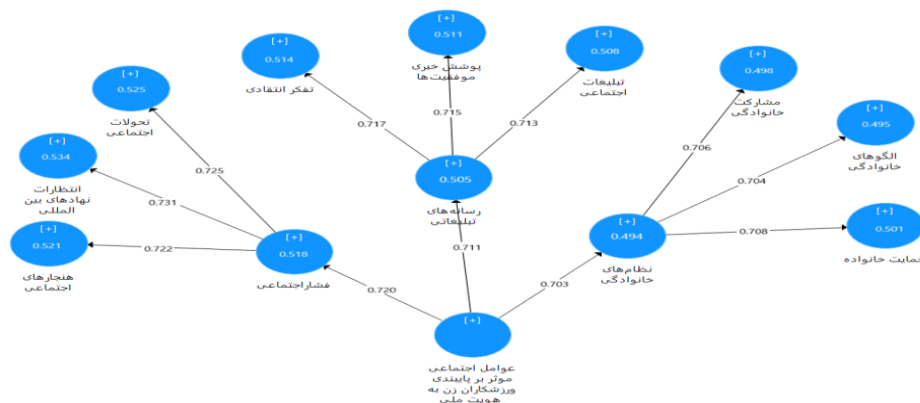
متغیر	آماره چولگی	آماره کشیدگی	آماره W	درجه آزادی	سطح معناداری
اعتبار بیرونی	۰.۵	-۰.۴	۰.۹۷۳	۱۹	۰.۱۲۹
اعتبار درونی	۰.۷	-۰.۵	۰.۹۶۹	۱۹	۰.۰۹۶

میانگین را به‌طور قابل توجهی جابه‌جا کند. در این پژوهش برای بررسی عدم وجود مقادیر پرت از نمودارهای جعبه‌ای و تحلیل باقی‌مانده‌ها استفاده شد که یافته‌ها بیانگر عدم وجود داده‌های پرت بود و بنابراین هیچ یک از مقادیر نیاز به حذف یا اصلاح نداشت. درنهایت با توجه به برقرار بودن این مفروضات، می‌توان به تحلیل و تفسیر نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای اعتبارسنجی مدل از منظر مشارکت‌کنندگان بخش کیفی پرداخت.

علاوه بر اعتبارسنجی مدل از منظر مشارکت‌کنندگان بخش مدل، اعتبار مدل از منظر پاسخ دهندگان بخش کمی نیز از منظر درونی و بیرونی با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی (مدل اندازه‌گیری) بررسی شد که در ادامه این یافته‌ها آورده شده است:

تحلیل عاملی تأییدی عوامل اجتماعی موثر بر پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی

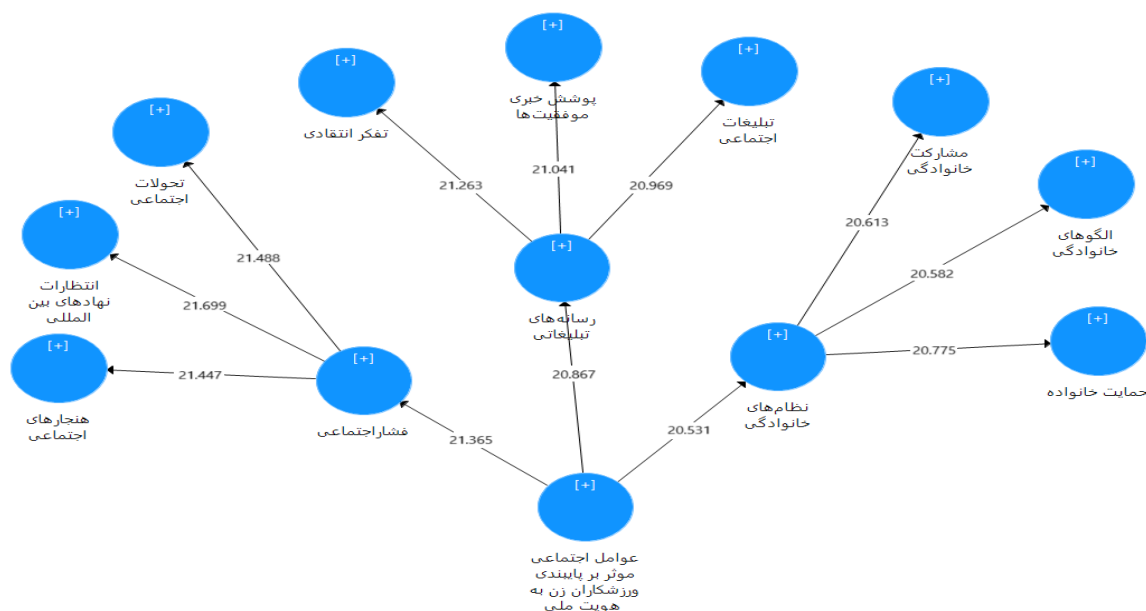
خروجی مربوط به عوامل اجتماعی موثر بر پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی به صورت شکل زیر است.



شکل ۱- نمایش گرافیکی بارهای عاملی در عوامل اجتماعی موثر بر پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی

۰.۷۱۱ و ۰.۷۰۳ بودند. این بارهای عاملی نشان‌دهنده میزان ارتباط قوی با سازه اصلی است. همچنین با توجه به نتایج، فشار اجتماعی دارای بیشترین بار عاملی و نظام‌های خانوادگی دارای کمترین بار عاملی است.

مدل اندازه‌گیری عوامل اجتماعی موثر بر پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی با رویکرد جامعه‌شناختی به هویت ملی شامل فشار اجتماعی، رسانه‌های تبلیغاتی و نظام‌های خانوادگی به ترتیب دارای بارهای عاملی ۰.۷۲۰،



شکل ۲- نمایش گرافیکی ضرایب معناداری مدل اندازه‌گیری عوامل اجتماعی موثر بر پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی

تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش کیفی از کدگذاری باز و محوری و ۲۰۱۸ MAXQDA استفاده شده است. همچنین سطح معناداری در تمام روش‌های آماری کمتر از ۰/۰۹ در نظر گرفته شده است. برای محاسبات و تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات خام از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ استفاده شد.

یافته‌ها

پس از مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش با ۲۸ خبره براساس پروتکل مصاحبه که در بخش پیوست‌ها آورده شده است، مصاحبه شد. سپس با روش تحلیل مضمون با رویکرد انعطاف‌پذیر (بران و کلارک، ۲۰۲۰) که بیشتر توضیح داده شد، مضامین عوامل اجتماعی موثر بر پایداری ورزشکاران زن به هویت ملی، شناسایی، توسعه، نام‌گذاری و تفسیر شد که که متخبی از متون مصاحبه با خبرگان در پیوست آورده شده است. با توجه به واحدهای معنایی (مضامین فرعی) احصا شده از متون مصاحبه در جدول ابعاد، مؤلفه‌ها و

همان طور که در شکل فوق قابل مشاهده است ضریب معناداری تی برای هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌ها بالاتر از ۲.۵۸ شده است و لذا با ۹۹ درصد اطمینان همه شاخص‌های برای هر یک از مؤلفه‌ها و مؤلفه‌ها برای هر یک از ابعاد تأیید می‌شود و هیچ شاخص و مؤلفه‌ای نیاز به حذف شدن ندارد.

روش نمره‌گذاری

مقیاس اندازه‌گیری مورد استفاده در این سنجش، لیکرت می‌باشد که هر گویه پنج درجه ارزشی (کاملاً موافق، موافق، بی‌تفاوت، مخالف و کاملاً مخالف) را در برمی‌گیرد و ارزش‌های هر گویه بین ۰-۵ متغیر می‌باشد. معیارها و مقیاس‌های لازم برای سنجش و اندازه‌گیری گزاره‌ها در این پژوهش از مطالعات پیشین اقتباس شده است. روش نمره‌دهی معیارهای بکار رفته با استفاده از طیف ۵ قسمتی لیکرت شامل "کاملاً مخالفم"، "مخالفم"، "بی‌تفاوت"، "موافقم" و "کاملاً موافقم" بود. در این مقاله از آزمون همبستگی برای ارزیابی همبستگی متغیرهای پژوهش، برای محاسبات و

شاخص‌های عوامل اجتماعی موثر بر پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی با رویکرد جامعه‌شناختی آورده شده است.

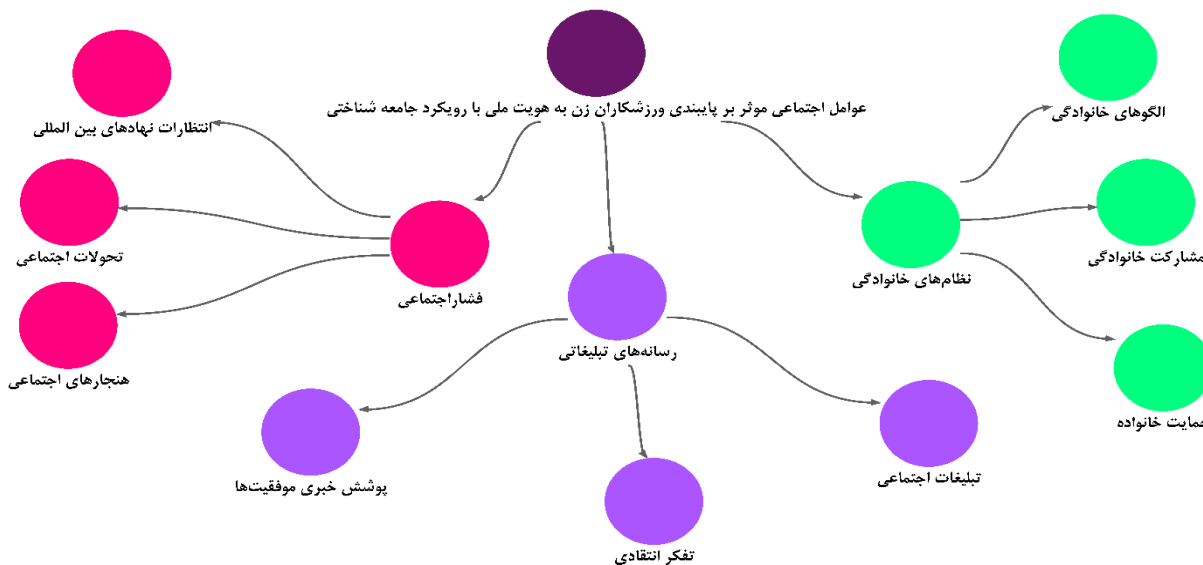
جدول ۴- ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های عوامل اجتماعی موثر بر پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی

سازه	بعد	مؤلفه	شاخص	کدمصاحبه شونده
عوامل اجتماعی موثر بر پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی با رویکرد جامعه‌شناختی	فشار اجتماعی	انتظارات نهادهای بین المللی	کنترل نهادهای نظارتی بین‌المللی در عرصه ورزش زنان	I۱, I۴, I۱۰
			حضور اجباری ورزش زنان در کنوانسیون‌های جهانی	I۴, I۳, I۱۹
			لزوم تقید به استنادهای جهانی در حوزه ورزش زنان	I۳, I۴, I۶, I۱۵
		تحولات اجتماعی	تأثیر تغییرات اجتماعی بر تغییر نگرش‌ها نسبت به ورزش زنان	I۱, I۸, I۱۰, I۱۹
			حضور مدرنیته در الگوهای رفتار اجتماعی	I۳, I۹, I۱۹
			تغییر رویکرد نهادهای اجتماعی منطبق با فرهنگ جهانی در حوزه ورزش زنان	I۵, I۷, I۱۴
		هنجارهای اجتماعی	تأثیر هنجارهای اجتماعی بر مشارکت زنان در ورزش	I۵, I۴, I۱۲, I۱۴
			تأثیر رفتارهای جمعی و قومیتی در ورزش زنان	I۳, I۹, I۱۰
			تغییرات اجتناب‌ناپذیر در هنجارهای اجتماعی سبب تغییر در ارزیابی و شاخص‌های پابندی ورزش زنان	I۲, I۳, I۱۱, I۱۵
	رسانه‌های تبلیغاتی	تفکر انتقادی	شفاف‌سازی واقعیت‌های حاکم بر ورزشکاران زن	I۵, I۶, I۱۹
			کمک در معرفی حقوق فرهنگی و اجتماعی ورزش زنان	I۲, I۱۱, I۱۳, I۲۰
			آسیب شناسی و بازنمایی مشکلات موجود در ورزش زنان	I۶, I۸, I۱۱
			معرفی عوامل بازدارنده و مشوق در حوزه ورزش زنان	I۱, I۵, I۱۰, I۱۶
			دعوت از مسئولین برای حل مشکلات ورزش زنان	I۴, I۶, I۹, I۱۸
		پوشش خبری موفقیت‌ها	نحوه بازتاب موفقیت ورزش زنان در رسانه‌ها	I۱, I۹, I۱۰, I۱۸
			نقش انگیزشی رسانه‌ها بر کسب شهرت و محبوبت ورزشکاران زن	I۴, I۶, I۹, I۱۸
			الگوسازی از ورزشکاران زن در بین جوانان	I۵, I۷, I۹

I۱۰, I۱۱, I۱۳	تولید نشاط ملی و انسجام ملی			
I۵, I۶, I۹, I۱۵	برجسته سازی و معرفی ورزشکاران زن	تبلیغات اجتماعی	نظام‌های خانوادگی	
I۳, I۸, I۱۱, I۱۴	استفاده از تبلیغات ورزشی یا ورزشکاران زن در هویت‌سازی اجتماعی			
I۲, I۷, I۱۲, I۱۹	معرفی نقش‌های حمایتی و خیرخواهانه ورزشکاران زن			
I۳, I۱۱, I۱۴, I۱۷	تهییج هواداران و مردم در حمایت‌های ورزشی از زنان			
I۹, I۱۲, I۲۰	رفتار حمایتی و همراهی عاطفی خانواده از فعالیت‌های ورزشی زنان			
I۶, I۷, I۱۲, I۱۴	حضور خانواده در رویدادهای ورزشی و ایجاد انگیزه برای زنان	حمایت خانواده		
I۲, I۴, I۱۳	تأثیر حمایت مالی خانواده بر ورزشکاران زن			
I۳, I۹, I۱۸	مشارکت خانواده در فعالیت‌های ورزشی مشترک	مشارکت خانوادگی		
I۱, I۱۰, I۱۶	برگزاری رویدادهای ورزشی خانوادگی و ترویج فرهنگ ورزشی			
I۸, I۱۴, I۱۹	تأثیر تجربه‌های ورزشی مشترک بر پیوند خانوادگی			
I۴, I۲, I۱۲, I۱۸	وجود الگوهای ورزشی قبلی در خانواده	الگوهای خانوادگی		
I۲, I۱۱, I۱۷	نقش رفتار خانواده و تجربیات ورزشی والدین در انتقال ارزش‌های ورزشی			
I۴, I۸, I۱۲	تشویق به فعالیت‌های ورزشی مشترک در خانواده			

عوامل اجتماعی مؤثر بر پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی شامل چندین بعد مهم است. اولین بعد، فشار اجتماعی است که به انتظارات نهادهای بین‌المللی، تحولات اجتماعی و هنجارهای اجتماعی اشاره دارد. این عوامل می‌توانند به شکل‌گیری و تقویت هویت ملی ورزشکاران زن کمک کنند. بعد دوم به رسانه‌های تبلیغاتی مربوط می‌شود که شامل تفکر انتقادی، پوشش خبری موفقیت‌ها و تبلیغات اجتماعی است. این رسانه‌ها می‌توانند نقش بسزایی در ارتقاء آگاهی و حمایت از هویت ملی ورزشکاران داشته باشند. در نهایت،

نظام‌های خانوادگی به عنوان بعد سوم مطرح می‌شود که شامل حمایت خانواده، مشارکت خانوادگی و الگوهای خانوادگی است. این عوامل اجتماعی به طور کلی تأثیر قابل توجهی بر پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی آن‌ها دارند و نشان‌دهنده اهمیت محیط اجتماعی در شکل‌گیری هویت ملی است. در نهایت با توجه به جدول فوق مدل عوامل اجتماعی مؤثر بر پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی در شکل زیر ارائه شده است:



شکل ۳- مدل عوامل اجتماعی مؤثر بر پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی با رویکرد جامعه شناختی

هویت ملی
 - نظام‌های خانوادگی
 - فشار اجتماعی
 - رسانه‌های تبلیغاتی
 مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر پابندی زنان ورزشکار ایرانی
 به هویت ملی در بعد "نظام‌های خانوادگی"
 - حمایت خانواده
 - مشارکت خانوادگی
 - الگوهای خانوادگی
 مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر پابندی زنان ورزشکار ایرانی
 به هویت ملی در بعد "فشار اجتماعی".
 - انتظارات نهادهای بین‌المللی
 - تحولات اجتماعی
 - هنجارهای اجتماعی
 مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر پابندی زنان ورزشکار ایرانی
 به هویت ملی در بعد "رسانه‌های تبلیغاتی"
 - تفکر انتقادی
 - پوشش خبری موفقیت‌ها
 - تبلیغات اجتماعی
 شاخص‌های، اجتماعی مؤثر بر پابندی زنان ورزشکار
 ایرانی به هویت ملی در بعد "نظام‌های خانوادگی"

تعهد به هویت اجتماعی با میانگین ۳.۴۹ این نشان می‌دهد که ورزشکاران زن نسبت به هویت اجتماعی خود احساس مسئولیت بیشتری دارند و این عامل بیشترین تأثیر را بر پابندی به هویت ملی آن‌ها دارد. فشار اجتماعی با میانگین ۳.۲۶ و رسانه‌های تبلیغاتی با میانگین ۳.۲۴ به عنوان عوامل مؤثر شناخته شدند. همچنین، نظام خانوادگی با میانگین ۳.۱۹ در رتبه‌ی پایین‌تری قرار دارد. به‌طور کلی، این داده‌ها نشان می‌دهند که هر یک از این عوامل اجتماعی به‌طور معناداری بر پابندی ورزشکاران زن به هویت ملی تأثیرگذار هستند و می‌توانند در راستای تقویت این پابندی مورد توجه قرار گیرند. میانگین نمرات لیکرت در تمامی مولفه‌ها بالاتر از ۳ است که نشان‌دهنده رضایت نسبی از این مولفه‌ها است. با این حال، پراکندگی داده‌ها و آماره‌های چولگی و کشیدگی نشان می‌دهند که در برخی مولفه‌ها نیاز به بررسی بیشتر و بهبود وجود دارد. به‌طور کلی، داده‌های به دست آمده از متغیرهای پنهان نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع داده‌ها در هر یک از آن‌ها است، چرا که در دامنه قابل قبول (۲-۲+) که قبلاً ذکر شد، قرار دارند که این امر به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که از آزمون‌های آماری پارامتریک مناسب برای تحلیل‌های آماری استفاده کنند.

ابعاد اجتماعی مؤثر بر پابندی زنان ورزشکار ایرانی به

- رفتار حمایتی و همراهی عاطفی خانواده از فعالیت‌های ورزشی زنان.
- حضور خانواده در رویدادهای ورزشی و ایجاد انگیزه برای زنان.
- تأثیر حمایت مالی خانواده بر ورزشکاران زن.
- وجود الگوهای ورزشی قبلی در خانواده.
- نقش رفتار خانواده و تجربیات ورزشی والدین در انتقال ارزش‌های ورزشی.
- تشویق به فعالیت‌های ورزشی مشترک در خانواده.
- مشارکت خانواده در فعالیت‌های ورزشی مشترک.
- برگزاری رویدادهای ورزشی خانوادگی و ترویج فرهنگ ورزشی.
- تأثیر تجربه‌های ورزشی مشترک بر پیوند خانوادگی
- شاخص‌های اجتماعی مؤثر بر پایداری زنان ورزشکار ایرانی به هویت ملی در بعد "فشار اجتماعی".
- تأثیر هنجارهای اجتماعی بر مشارکت زنان در ورزش.
- تأثیر رفتارهای جمعی و قومیتی در ورزش زنان.
- تغییرات اجتناب ناپذیر در هنجارهای اجتماعی سبب تغییر در ارزیابی و شاخص‌های پایداری ورزش زنان.
- تأثیر تغییرات اجتماعی بر تغییر نگرش‌ها نسبت به ورزش زنان.
- حضور مدرنیته در الگوهای رفتار اجتماعی.
- تغییر رویکرد نهادهای اجتماعی منطبق با فرهنگ جهانی در حوزه ورزش زنان.
- کنترل نهادهای نظارتی بین‌المللی در عرصه ورزش زنان.
- حضور اجباری ورزش زنان در کنوانسیون‌های جهانی.
- لزوم تقید به استانداردهای جهانی در حوزه ورزش زنان
- شاخص‌های اجتماعی مؤثر بر پایداری زنان ورزشکار ایرانی به هویت ملی در بعد "رسانه‌های تبلیغاتی".
- نحوه بازتاب موفقیت ورزش زنان در رسانه‌ها.
- نقش انگیزشی رسانه‌ها بر کسب شهرت و محبوبیت ورزشکاران زن.
- الگوسازی از ورزشکاران زن در بین جوانان.
- تولید نشاط ملی و انسجام ملی.
- برجسته‌سازی و معرفی ورزشکاران زن.
- استفاده از تبلیغات ورزشی یا ورزشکاران زن در هویت‌سازی اجتماعی.
- معرفی نقش‌های حمایتی و خیرخواهانه ورزشکاران زن.
- تهییج هواداران و مردم در حمایت‌های ورزشی از زنان
- شفاف‌سازی واقعیت‌های حاکم بر ورزشکاران زن
- کمک در معرفی حقوق فرهنگی و اجتماعی ورزش زنان.
- آسیب‌شناسی و بازنمایی مشکلات موجود در ورزش زنان.
- معرفی عوامل بازدارنده و مشوق در حوزه ورزش زنان دعوت از مسئولین برای حل مشکلات ورزش زنان در پایداری ورزشکاران زن ایرانی به هویت ملی با مؤلفه "هویت اجتماعی" مواجه هستیم. این بعد دارای مؤلفه‌هایی مانند: احساس تعلق اجتماعی، اخلاق‌مداری، کسب موفقیت در رقابت‌های ملی و بین‌المللی، توانایی کار تیمی، حمایت اجتماعی، انگیزه و الهام بخشی می‌باشد.
- این بدین معناست که ورزشکار زن ایرانی می‌باید با کسب پیروزی‌های خود بتواند در تقویت روحیه ملی به‌ویژه در زمان‌های خاص مثل بازی‌های المپیک یا روزمرگی مردم برای تغییر مثبت نقش‌افزین عمل نموده و این را وظیفه خود تلقی کند، یا در برگزاری جشن‌ها و مراسم‌های ملی برای تجلیل از موفقیت‌های تیمی جهت تقویت احساسات ملی ایفای نقش کند.
- در اخلاق‌مداری ورزشکار زن باید نسبت به کشور خود و مردمش احساس تعلق خاطر و وابستگی کند، تجربه همبستگی و اتحاد میان ورزشکاران و هواداران در زمان برگزاری مسابقات بین‌المللی و ملی را تسری بخشد، در پذیرش هویت قومیتی و احترام و تقید به هویت بومی مقید باشد، ضرورت اعتماد به نفس و خودباوری در میان ورزشکاران زن و لزوم اخلاق‌مداری ورزشکاران زن در میادین ورزشی، مردم‌داری و ارتباط مناسب با هواداران و طرفداران، ورزشکار خوب ایرانی متسبب به جوانمردی و

عدالت محوری است، ورزشکار حامی مردم کشور خود در بزنگاه‌های اجتماعی و بحران‌ها باید باشد، ابراز همبستگی زنان ورزشکار با مردم در حمایت مردمی از ورزشکاران هویت ملی ورزشکاران زن ایجاد می‌نماید که ورزشکاران در خیریه‌ها و فعالیت‌های عام‌المنفعه مشارکت نموده، ورزشکاران زن با حمایت از هم‌جنسان خود می‌توانند در ترویج حقوق و دسترسی به فرصت‌های برابر به زنان کشور کمک کنند. در عین حال باید توانایی فعالیت‌های تیمی داشته باشند، فعالیت ورزشکاران زن در تیم‌ها و گروه‌های ورزشی با همکاری و همبستگی امکانپذیر است، ورزشکاران از طریق کار تیمی و همدلی با سایر ورزشکاران، به اهداف مشترک دست می‌یابند، همکاری و مشارکت اجتماعی لازمه موفقیت در میدانی ورزشی و از این طرق، ورزشکار زن می‌تواند به حمایت اجتماعی مبادرت نماید. از طرفی برای انگیزه و الهام‌بخشی، ورزشکار می‌تواند به الگوسازی و الهام‌بخشی برای سایر زنان و جوانان با اخلاق و سبک زندگی خود مبادرت ورزد و مشوق و هدایتگر دختران و زنان کشور باشد.

نتیجه‌گیری

در بررسی‌های صورت گرفته از تحقیقات پیشین و پژوهش حاضر اجزای شناسایی شده در حوزه عوامل اجتماعی مؤثر بر پابندی ورزشکاران زن ایرانی به هویت ملی در راستای شاخص‌های، تحقیقات اقدام و همکاران در سال (۱۳۹۰)، گودرزی و همکاران (۱۳۸۹)، هاشمی و جوادی (۱۳۸۶)، شجاع و همکاران (۱۳۸۷) می‌باشد.

ابعاد اجتماعی مؤثر بر پابندی زنان ورزشکار ایرانی به هویت ملی با رویکرد جامعه‌شناختی، شامل سه بعد نظام‌های خانوادگی، فشار اجتماعی، رسانه‌های تبلیغاتی می‌باشند. نکته قابل تأمل در این بخش توجه ویژه به حوزه خانواده ورزشکاران زن ایرانی می‌باشد. مکانیسم اثر خانواده در عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت ملی مبتنی بر سه رویکرد اساسی حمایت، مشارکت و الگوسازی خانوادگی است. اصل مهم در این راستا این است که حمایت‌های روانی و اجتماعی خانواده در کنار مشارکت و حضور فعال اعضای

خانواده در رویدادهای فرهنگی، مسابقات ورزشکار را اثرگذار می‌نماید یعنی نوعی حمایت مشارکتی، ضمن آن که به الگوسازی و تولید سلیقه و ذائقه سلامت محور مبتنی بر ضرورت توجه و احترام به جایگاه ورزش و ورزشکار در سبک زندگی و تربیتی ورزشکار نیز باید توجه ویژه‌ای نمود. البته این رویکرد به عوامل اجتماعی در حوزه‌های عوامل اثر گذار به هویت ملی ورزشکاران بدین گونه با تفکیک نقش خانواده قبلاً صورت پذیرفته است.

در بعد دوم، مفهوم "فشار اجتماعی" بعنوان عاملی اجتماعی در پابندی به هویت ملی در ورزشکاران زن ایرانی مورد توجه قرار گرفته شده است. بعدی که خود به سه مؤلفه انتظارات نهادهای بین‌المللی، تحولات اجتماعی، هنجارهای اجتماعی منفک شده است. نکته قابل تأمل در این بین، رتبه اثرگذاری فشار اجتماعی ناشی از انتظارات نهادهای بین‌المللی نسبت به سایر مؤلفه‌ها می‌باشد. بنظر می‌رسد، تغییر رویکرد نهادهای اجتماعی منطبق با فرهنگ جهانی در حوزه ورزش زنان بیش از پیش مورد توجه ورزشکاران زن و مسئولین و حتی مردم در این عصر بوده است، بگونه‌ای که کنترل نهادهای نظارتی بین‌المللی در عرصه ورزش زنان، حضور اجباری ورزش زنان در کنوانسیون‌های جهانی و لزوم تقید به استانداردهای جهانی در حوزه ورزش زنان، سبب بروز نوعی فشار اجتماعی آنهم با رویکرد جهانی و به تعبیر ورزشکاران زن، بصورت مثبت و سازنده توانسته است نوعی رویکرد پویایی و خروج از انزوا را برای ورزشکاران زن ایرانی مطرح نماید تا زمینه مناسب جهانی برای دیده شدنشان را فراهم نماید و آماده‌سازی اذهان ثابت و خموش سیاست‌گذاران ورزشی را با امری غیرقابل اجتناب و متحول روپرو سازد. این در حالی است که طبق نظر خبرگان ورزشکاران زن ایرانی هنوز با فشارهای اجتماعی از نوع تعصبات خانوادگی، تعصبات قومیتی و دینی، تأثیر هنجارهای اجتماعی بر مشارکت زنان در ورزش و تحولات اجتماعی در عرصه حضور حداکثری زنان نیز مواجه می‌باشند.

بهر حال، تغییرات اجتناب‌ناپذیر در هنجارهای اجتماعی سبب تغییر در ارزیابی و شاخص‌های پایداری ورزش زنان می‌شود و تأثیر تغییرات اجتماعی بر تغییر نگرش‌ها نسبت به ورزش زنان خواهد شد، ضمن آن که حضور مدرنیته در الگوهای رفتار اجتماعی جوامع، از جمله ایران اجتناب‌ناپذیر بوده و این تحولات با خود تغییرات نقش زنانگی را در ایفای نقش جنسیتی زنان و در نهایت مشاغل و حرفه‌های مختلف دربر خواهد داشت.

بعد سوم، در عوامل اجتماعی مؤثر بر پایداری به هویت ملی ورزشکاران زن ایرانی، رسانه‌های تبلیغاتی می‌باشد. در بسیاری از تحقیقات از نقش رسانه در ایجاد همبستگی در ورزش و یا ایجاد شهرت و همبستگی اجتماعی یاد کرده‌اند ولی این تحقیق با تفکیک مکانیسم اثر رسانه در عرصه اثرگذاری به هویت بخشی ورزشکاران زن دارای مزیت رقابتی نسبت به سایر تحقیقات می‌باشد. مکانیسم اثر رسانه در سه مؤلفه تفکر انتقادی، پوشش خبری موفقیت‌ها و تبلیغات اجتماعی مطرح شده است. نحوه بازتاب موفقیت ورزش زنان در رسانه‌ها می‌تواند در هویت بخشی به ورزشکاران زن مؤثر عمل نماید، این امر می‌تواند با نقش انگیزشی رسانه‌ها بر کسب شهرت و محبوبیت ورزشکاران زن در بین مردم و هواداران و معرفی بیشتر ایشان صورت پذیرد ضمن آن که الگوسازی از ورزشکاران زن در بین جوانان و بویژه دختران و زنان، می‌تواند نقطه عطفی برای تولید امید به زندگی و ایجاد ذائقه و تولید نیاز هدفمند در این گروه از مخاطبین محسوب شود. از طرفی رسانه‌ها با نمایش موفقیت‌های این ورزشکاران میادین داخلی و خارجی متناسب با چارچوب‌های ارزشی جامعه، می‌تواند در راستای تولید نشاط ملی و انسجام ملی، برجسته‌سازی و معرفی ورزشکاران زن، استفاده از تبلیغات ورزشی یا ورزشکاران زن در هویت‌سازی اجتماعی، معرفی نقش‌های حمایتی و خیرخواهانه ورزشکاران زن، تهییج هواداران و مردم در حمایت‌های ورزشی از زنان، شفاف‌سازی واقعیت‌های حاکم بر ورزشکاران زن، کمک در معرفی

حقوق فرهنگی و اجتماعی ورزش زنان در آموزش فرهنگی جامعه، آسیب‌شناسی و بازنمایی مشکلات موجود در ورزش زنان، معرفی عوامل بازدارنده و مشوق در حوزه ورزش زنان نیز مؤثر عمل نماید. قطعاً دعوت از مسئولین برای حل مشکلات ورزش زنان نیز می‌تواند خود کلید راه‌گشایی برای هویت بخشی به ورزشکاران زن و در عین حال شفاف‌سازی و ارائه کارکرد بخش‌های مرتبط در حوزه ورزش زنان برای جذب اعتماد اجتماعی بیشتر عمل نماید. به طور کلی توجه ویژه به نقش خانواده، فشار اجتماعی، و رسانه‌های تبلیغاتی نشان می‌دهد که هویت ملی ورزشکاران نه تنها تحت تأثیر ساختارهای داخلی مانند حمایت خانوادگی قرار دارد، بلکه تغییرات جهانی، انتظارات بین‌المللی، و نحوه بازنمایی در رسانه‌ها نیز نقشی اساسی در این فرآیند دارند. مکانیزم‌های اثرگذاری خانواده حمایت، مشارکت، و الگوسازی، ابعاد مهمی از این تحقیق را شکل می‌دهند، به ویژه در پرورش هویت ورزشی-ملی. همچنین، تحلیل فشار اجتماعی به عنوان نیرویی دوگانه هم چالش‌زا و هم فرصت‌ساز نگاه متفاوتی به تأثیرگذاری نهادهای بین‌المللی بر ورزش زنان دارد. رویکرد جهانی ورزش زنان نه تنها زمینه‌ساز دیده شدن ورزشکاران زن ایرانی شده بلکه آن‌ها را وارد فرآیند پویایی اجتماعی کرده است. در نهایت، نقش رسانه‌ها در بازتاب موفقیت‌های ورزشی و ایجاد همبستگی اجتماعی، از طریق تفکر انتقادی، تبلیغات اجتماعی و پوشش خبری، به وضوح نمایان می‌شود. رسانه‌ها می‌توانند از طریق برجسته‌سازی ورزش زنان، به تثبیت جایگاه اجتماعی ورزشکاران کمک کنند و به تولید نشاط ملی و افزایش مشارکت ورزشی زنان یاری رسانند.

منابع

- جوانمرد، کمال (۱۴۰۳). تفسیر ورزش در گفتمان بوردیو، مجله مطالعات جامعه‌شناختی در ورزش، شماره سه، دوره ۴.
- نظری، سمانه و همکاران (۱۴۰۲). تحلیل و واکاوی

دوازده، شماره ۳.

- ابراهیم غلامپور آهنگر (۱۳۹۵). مسئله‌شناسی در حوزه فرهنگ، تهران: موسسه فرهنگی هنری پویه مهر اشراق.
- قاسمی، علی اصغر و همکاران (۱۳۹۰). نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران، فصلنامه راهبر.
- قربانی، قدرت‌الله (۱۳۸۴). هویت ملی از دیدگاه شهید مطهری، مطالعات ملی ۱۳۸۳ تابستان شماره ۱۸.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۲). مدرنیسم، پسا مدرنیسم و معمای هویت، گفتمان بهار ۱۳۸۲ شماره ۷.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹). تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره پنجم.

- Heydarirad.Tayyebheh (۲۰۲۴). Al Surah of ۲۶۱ Verse in tionsApplica Ethical and Social its of Analysis and Parable The, Volume ۴, Number ۲ - Serial Number ۱۴, July ۱۴۰۳, ۱۰.۲۲۰۳۴/ARQ.۲۰۲۴.۱۹۰۴۵۹

- Hameen Ahmadi (۲۰۱۷). Masoud Akhwan Kazemi, The emergence of political sociology of sports presented at the ۶th International Congress of Development and Promotion of Basic Sciences and Techniques in Society. DPFSTS.۰۶ ۳۷۳.

- Smith, R. E, Smoll, F. L (۲۰۰۷). Social-cognitive approach to coaching behaviors. In S. Jowett, D. Lavallee (Eds). Social psychology in sport.

- Hashemian Syed Ali, Hashemi Far Syed Zia. Jalali, Mina (۲۰۱۱). National pride and social and cultural factors affecting it; Case study: Isfahan city, Social and cultural strategy, number ۱.

- Rabbani Rasul. kalantari Samad. Hashemian Far Ali (۲۰۱۱). Examining the relationship between social factors and social inequalities, Social welfare, ۱۱th year, summer, number ۴۱.

- Dunning's Elias (۱۹۸۷). Theory of Sport and Excitement.Vera Zolberg, Theory, Culture and Society.

- Elias and Dunning's (۱۹۸۷). Theory of Sport and Excitement.Vera Zolberg, Theory, Culture and Society.

- Javanmard Kamal (۲۰۲۲). Journal of

جامعه‌شناختی کلیشه‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان.

- جهرمی، اسفندیار، قدیمی، بهرام (۱۴۰۰). تحلیل جامعه‌شناختی عملکرد ورزشی با رویکرد خودپذیرشی و مدیریت بدن در دختران ورزشکار شهر تهران در رشته انفرادی.
- احمدپور، آیرین، رجبی نوش‌آبادی، حسین و همکاران (۱۴۰۰). شناسایی به کارگیری هویت ملی در سیاست‌گذاری ورزش ایران، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۵، شماره ۸، آبان ۱۴۰۱.

- صدیقه خواجه افلاطون و همکاران (۱۳۹۹). بررسی عوامل موثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی، مطالعات روان‌شناسی ورزشی پاییز ۱۳۹۹ شماره ۳۳.

- بقایی، جواد قدیمی، بهرام (۱۳۹۹). ارتباط عملکرد ورزشی تیم‌های ملی با هویت ملی، دوفصلنامه جامعه‌شناسی و مدیریت سبک زندگی شماره ۱۷، دوره ۷.

- هژیرنیا، راضیه و همکاران (۱۳۹۹). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل موثر بر نگرش به بازتولید هویت ملی تیم ملی فوتبال، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۱، شماره ۴۲ - شماره پیاپی ۴۲.

- خواجه افلاطون، صدیقه و همکاران (۱۳۹۹). بررسی عوامل موثر بر هویت حرفه‌ای ورزشکاران تیم‌های ملی، مجله مطالعات روان‌شناسی ورزشی، شماره ۳۳.

- بهنام نقی‌پور گیوی امیرحسین منظمی (۱۳۹۹). مدل ارتباطی ادراک از موفقیت تیم‌های ملی ورزشی ایران با انسجام اسلامی و هویت ملی، نشریه مدیریت ورزشی، شماره ۱.

- مرادی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۸). ارتباط بین هویت ورزشی و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی در بین معلولین جسمی، مجله مطالعات ناتوانی، شماره ۹.

- امیرحسین منظمی، عباس نظریان (۱۳۹۸). طراحی مدل معادلات ساختاری هویت منطقه‌ای و هویت ملی در هواداران تیم‌های ملی والیبال، نشریه مدیریت ورزشی، دوره

Number ۲۸.

- Ghafouri Farzad Ashraf Farideh, Ahmadi Siros (۲۰۱۱). Investigating and determining the influencing factors on the success of Iran's championship sports. pages – from ۵۵ to ۴۵.

- Nazari Samane, Ramzaninejad Rahim, Goharrostami Hamidreza, Mahdi Rahmati Mohammad (۲۰۲۲). Sociological analysis of gender stereotypes governing women's. doi.org/۱۰,۲۲۰۸۹/res.۲۰۲۳,۱۴۴۵۷,۲۳۵۸.

- Shahundi Alireza Taqvi Nasab, Seyyed Mojtaba (۲۰۱۶). Investigating the factors related to the social identity of the studied women: women of the central part of Pasargad city Volume ۸, Number ۳۲ - Serial number ۳۲.

یادداشت‌ها

^۱sidman

^۲goudman

^۳Bouedie

^۴Bouedieu

^۵Ericsson

^۶Gerber, E.W., Felshin, J., Berlin, P., & Wyrick, W. (Eds.). (1974)

Strategic Sociological Studies in Sport, Vol ۴, Issue ۳, Serial No ۱۲.

- Bouedieu (۲۰۲۱). Pierre Bourdieu: Revisiting Reproduction, Cultural Capital, and Symbolic Violence in Education. First Online: ۲۴ September ۲۰۲۲.

- Nahrain al-Mousawi (۲۰۱۶). Bourdieu in Translation Studies: The Socio-Cultural Dynamics of Shakespeare Translation in Egypt. Volume ۲۸. DOI: https://doi.org/۱۰,۳۱۶۷/cs.۲۰۱۶,۲۸۰۳۱۴.

- Tajik Mohammad Reza (۲۰۰۰). Iranian culture and identity; Opportunities and challenges, National Studies ۲۰۱۹ Summer No. ۴.

- Mohajeri, masih (۲۰۰۰). Shahid Beheshti is a role model for those in charge. Farhang Kausar,